

# پیغام امروز

شماره ۱۰۴ دوره جدید سال بیستم تک شماره ۱۵ سال

شنبه

۲۱

تیر ۱۳۵۸

۱۷ شهریور ۱۳۹۹

۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹

اینکه مردم در این روزها در مصاحبه با خبرنگار گزاری فرانه:  
**باید بدولت اختیار داد تا در رفع مشکلات بکوشد**  
 در غیر این صورت آینده جامعه بسیار خطرناک خواهد بود  
 اینک مردم در این روزها در مصاحبه با خبرنگار گزاری فرانه:  
 اینک مردم در این روزها در مصاحبه با خبرنگار گزاری فرانه:  
 اینک مردم در این روزها در مصاحبه با خبرنگار گزاری فرانه:

## تیمسار رحیمی: قصد کودتایم ندارم

● روزنامه نگاران باید دولت را مجبور کنند که به افکار عمومی احترام بگذارد.  
 ● در ارتش ما در حال حاضر هیچگونه نقی وجود ندارد. خبرنگاران خارجی فکر می کنند ارتش ما مرده است در حالیکه ارتش لائق در این پادگان زنده است.

● مردم باید ما را بشناسند و با ما دوست شوند حالا اگر بضرها نمیخواهند من حرف بزم صانه دیگرست.  
 ● فرمانده ملی و مردمی باید با مردم در ارتباط باشد.  
 ● هنوز تمام وسایل اطلاعاتی ارتش کار می کند و ضد اطلاعات مثل تمام دنیا در ارتش موجود دارد.

بدون ضد اطلاعات نمی شود کار کرد. اما ضد اطلاعات ما آن صورت بد را که در اذهان پیدا کرده، ندارد. ضد اطلاعات ما خوب است. من قصد کودتا ندارم تیمسار رحیمی در مورد اینکه در محافل سیاسی شایعه بقیه در صفحه آخر

تیمسار امیر رحیمی دیروز به خبرنگار پیغام امروز گفت که از مصاحبه با مطبوعات بشدت پرهیز میکند، چون از جوانب مختلف از او خواش شده است که از مصاحبه با مطبوعات خودداری کند. اما خبرنگار ما در گفتگو با وی جسته و گریخته نظر

## پیراهن سیاهان، آمده اند..

همه نگران بودند که پیراهن سیاهان دارند می آیند. رحالا ناگهان فاش می شود که: پیراهن سیاهان آمده اند. پیراهن سیاهان از لبنان تعلیم یافته، آمده اند و در تهران حضور دارند.

در شرایط واحوالی که انقلاب، به نفع طبیعی خود نرسیده، میلیتاریسم مقام، ناگهان سنگر خالی می کند، و قدرت، در شکل بسیار مبهم و بسته بی دست به دست می شود، درگیری جنگ قدرت امری است بدیهی و اجتناب ناپذیره و همان اندازه که سقوط میلیتاریسم: سریع بود و تلفات کم همراه داشت، نبردهایی که برای تسلط کامل بر قدرت، آغاز می شود، متنوع و پراکند خواهد بود. و مجموعه این نبردها، راه را برای هیچ یک از جویندگان قدرت مطلق هموار نمی کند، بلکه مواضع را برای استقرار قدرت طلبی که پشت پرده در کین نشسته است، و با واقع بینی، جا به جا شدن سپه ها را می نگرد، از سر راه بر می دارد. و این پرنده اهلی، در گرمای گرم زد خود روزنامه نگاران میان گود دست که آشکار می شود.

صادقانه، باید گفت، توهمات روحانیت از حکومت، با ساخت زنده و موجود جامعه، تباین دارند و بر آوردن آنها جز با اعمال خشونت، و کار برد قدرت مطلق میسر نخواهد شد. همچنین، با غربی شدیدی که به نظام اقتصاد وابسته ایران وارد آمده است، استیلا و نفوذ فوریست های سرمایه داری، بر جریان جدید، و اتصال پیوندهای پاره شده و شیرازه های گسیخته، چرا با توسل به اعمال قدرت شدید، و بر چیدن فرصت نفس کشیدن، از جامعه شهری و روستایی، ممکن نخواهد بود.

درین میان نیروهای دیگر جامعه هنوز جای مشخصی برای نمایش قاطع حضور خود پیدا نکرده اند. کارگران و دهقانان، که زنجیره اصلی زحمتکشان را تشکیل می دهند، همچنان زیر فشار ستم طبقاتی هستند، که در شهر اگر دارد پوشش سرمایه داری دولت را به تن می کند، در روستاها، با پیدا شدن سر و کله خانها و رؤسای عشایر، و قدرت یافتن اربابان سابق، نوع روابط عربانی بیشتری دارد.

بقیه در صفحه ماقبل آخر

## لایحه مطبوعات طرحی نه انقلابی و نه آگاهانه و مشکل گشا (۱۱)

## دشنه قدرت

## در پهلوی روزنامه نویسی

در ماده ۱۶، ششیر وزارت ارشاد، و یا هر سازمان قدرت طلب دیگر اداری روی کردن مطبوعات قرار داده اند. و با این چهره دژم و پرحیله که در تدوین مجموعه قانون، از تهیه کنندگان دیده ایم، طبیعی است که نسبت به کاربرد یک یک موارد دام گسترده محاکماتی آنها نیز بدگمان و دقیق باشیم، هرچند که با اجرای مواد پانزده گانه قبلی، هیچ روزنامه نویسی حق طلب و شرافتمند و مدافع حقوق مردم باقی نمی ماند، که کارش به مرحله ماده ۱۶ بینجامد، و این تعبیر را بر بسبب استثناء، و حمل بر مورد نادر، کرده اند.

ماده ۱۶ - هر کس بانوشتن یا نشر مقاله یا جعل اخبار یا بهره نبرد دیگر در مطبوعات مرتکب یکی از اعمال ذیل شود به حبس جنحه ای از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم می شود: الف - هر کس مردم را صریحاً تحریص و تشویق به خرابکاری و آتش سوزی و قتل و غارت و سرقت نماید. ب - هر کس افسران و افراد ارتش را....

اگر قدرت کرده باشید، در شرایط بسیار آزاد کنونی، هر سازمان، هر شخص حقیقی و حقوقی، که مورد انتقاد قرار می گیرد، یا خبری را با بطلیح خود نمی داند، روزنامه نویسی بقیه در صفحه ۳

## نامه سرگشاده انجمن دفاع از آزادی مطبوعات به نخست وزیر بجای قانون تحدید مطبوعات منشور آزادی مطبوعات را صادر کنید

● تمام قید و بندهای دیکتاتوری سلطنتی را از دست وبای صنف چاپ بردارید  
 ● نشر روزنامه و مجله باید تا حد نشر کتاب ساده و آسان شود  
 ● وزارت اطلاعات سابق ماهیت خود را پشت تغییر نام پنهان کرده است

«انجمن دفاع از آزادی مطبوعات» در نامه سرگشاده ای به مهندسین بازرگان نخست وزیر، تأسف و حیرت انجمن را از رفتار غیر منصفانه وزارت ارشاد ملی در مرحله بررسی لایحه جدید مطبوعات ابراز داشت. و از دولت خواست بجای وضع «قانون تحدید مطبوعات»، «منشوری برای آزادی مطبوعات» صادر کند. متن نامه چنین است:

## راهپیمایی و تظاهرات در کردستان

قطعه نامه راهپیمایی ضمن محکوم کردن دروغ پردازیهای رادیو تلویزیون، خود مختاری کردستان بر سمیت شناختن مذهب کسن در قانون اساسی و آزادی احزاب و روزنامه ها را خواستار شد ● خبرهای تأیید نشده حاکمیت ۴ گردان لشکر قزوین به مهاباد اعزام میشوند

مهاباد - بدنبال اعلامیه آیتاله حسینی، صبح دیروز بیش از ۳۰ هزار نفر از مردم مهاباد دست به یک راهپیمایی زدند. راهپیمایان ضمن محکوم کردن سانسور و دروغ رادیو تلویزیون و بعضی جراید، خواستار حق خود مختاری برای کردستان و جلوگیری از شایعات مفرضانه شدند. راهپیمایی با صدور قطعنامه ای در ۱۲ ماده پایان یافت. در

قطعنامه پس از تأیید رهبری امام خمینی، خواستار حق خود مختاری و برسمیت شناختن مذهب کسن در قانون اساسی شدند. قطعنامه همچنین خواستار رعایت حقوق ملی و مذهبی همه خلقها و آزادی بیشتر برای مطبوعات و احزاب شده است.

اعلامیه آیتاله حسینی آیتاله عزالدین حسینی روز قبل از راهپیمایی با صدور

هر پی انفجارهای اخیر در لوله نفت و گاز جنوب، حسن نزیه رئیس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت، از فرماندهان نظامی برای حفاظت تأسیسات و خطوط لوله نفت، کمک خواست. اما تنها سر تیسپ امیر رحیمی آمادگی خود را برای اعزام سرباز به جنوب اعلام کرد. امیر رحیمی، فرمانده دژبان مرکز، ضمن تأیید این خبر به پیغام امروز گفت: وظیفه ملی من است که از متابع ملی کشور مراقبت کنم. وی گفت: مسئولین شرکت نفت به من تلفن کردند و پرسیدند: اگر کمک لازم داشته باشیم، آیا شما آماده هستید؟ و من در جواب بقیه در صفحه آخر

## انفجارهای تازه در خوزستان

● دیروز دو انفجار در حوالی راه آهن خرمشهر صورت گرفت امروز - خبرگزاری پارس - نیمه شب چهارشنبه دو انفجار در خرمشهر صورت گرفت گزارش رسیده حاکیست این انفجارها که در حوالی ایستگاه راه آهن خرمشهر بر اثر پرتاب نارنجک صورت گرفته خوشبختانه خسارتی همراه نداشته است.

● رادیولندن - دیشب انفجاری در نزدیکی خرمشهر رویداده و خساراتی به خطوط آهن وارد آمده است مسئول انفجارهای خرمشهر هنوز شناخته نشده با اینکه ادعا میشود که یک گروه زیرزمینی از اعراب ایرانی تحت عنوان گروه چهارشنبه سیاه مسئول انفجارهای نفت در هفته گذشته بوده اند، جامعه اعراب ایران از توانایی کسب امتیاز سیاسی که بر اثر بقیه در صفحه آخر

## «کرافت و رک او نیون» آلمانی از مرحله پرت است

و نمایندگی کرافت و رک او نیون» در تهران به یکی از شیوه های رایج انحصارهای غربی برای قلب حقایق دست یازیده است. و به توضیح درباره مارک پایه قوله خود شرکت، زحمت چاپ فقط دوسطر از یک نامه، طبق قانون مطبوعات، از ما خواسته است، آنچه را به صورت یک سرپوش، قصد دارد روی ماچرای نیروگاه های هسته ای بوشهر، و اقتصادی نبودن و خالی بودن آن از شرایط لازم ایستی قرار دهد، ما چاپ کنیم.

به یقین، برای شکافتن بهتر موضوع، و ایجاد شرایط بهتر داوری، ما به آسانی و از روی کمال شوق نامه را چاپ می کردیم، زیرا خود این نامه، طراح مسایل بسیار تازه ای است. ۱ - حرکت کرافت و رک او نیون، واسطه معامله موجود است، و نیز همان مورد چاپ مارک شرکت و دوسطر از جوابی که به ایراد یک استاد متفحص موسسه ایمنی و اکتورها، در آلمان فریبی داده بود، مورد دیگری در مطالب روزنامه ما برای حضور در بحث نداشته است. و حداکثر کافی بود که زحمت ترجمه کامل نامه را به خود می داد.

بقیه در صفحه ماقبل آخر



# خوانین و فرماندهان ضد انقلابی در بلوچستان چه میکنند؟

بدستال قتل دو دهقان در بلوچستان، سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان بیانیه افشا - گرانهای منتشر کرد. در بیانیه آمده است: دهقانان زحمتکش بمپور که سالها زیر بار ستمهای سنگین و غیرانسانی شرکت سهامی زراعی قرار داشتند، اخیراً خود را از زیر یوغ آن بیرون کشیدند و به شرکت سهامی از دسترنج خود رانداوند. اما با حضور خوانین منطقه چالقی و لاشار، که خواهان دریافت سهم شرکت هستند، روبرو شدند. خواست خوانین خشم و مقاومت دهقانان را برانگیخت. در پی این ماجرا، شخصی بنام رستم از عوامل خوانین و دلان قبلی شرکت سهامی زراعی - با عده ای از افراد ناآگاه که بوسیله عیسی خان و محمد خان مسلح شده بودند، یکی از دهقانان زحمتکش را باخاطر مقاومتش علیه زورگوییهای خوانین به قتل رساندند.

قتل دیگری که بوسیله دو نفر از افراد ناآگاه با اسلحه بمب در کزهی درجاده بمپور اتفاق افتاد نیز طعم و رزیه ها و زود بندهای عوامل ارتجاع و وابسته به رژیم سابق را بخوبی آشکار می سازد.

در بیانیه همچنین آمده است که خوانین توسط سرگرد نیسانی فرمانده هنگ ژاندارمری ایران شهر مسلح می شوند. خوانین با سوء استفاده از ناآگاهی مردم و مسلح کردن آنها، در صددند طوایف و قبایل بیگانه را بجان هم اندازند تا از این راه موقعیت خود را مستحکم کنند.

این سازمان در افشای اقدامات ضد انقلابی سرگرد نیسانی بیانیه دیگری نیز منتشر کرده است. در

# دانشجویان هنرهای زیبا: یورشهای ارتجاعی به مراکز فرهنگی طلیعه سرکوب آزادیهاست

دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا، در بیانیه ای ضمن محکوم کردن یورشهای ارتجاعی به مراکز فرهنگی - هنری، و برخورد غیر مسئولانه دولت با اینگونه حمله ها که می تواند راهگشای ارتجاع در سرکوب آزادیها باشد، نوشته اند: یازم یکبار دیگر، جمع افرادی که برای احقاق حقوق خود، گرد آمده بودند، به زور سرنیزه ازم پاشیده شد. و با حکم رسمی دادستان انقلاب اسلامی، اینکار صورت پذیرفت.

اینکه عمل دادستانی کاری

# حمله به تحصن فارغ التحصیلان بیکار آمل

کسانی با ظاهر سازی و عوام فریبی از حرکات انقلابی جلوگیری می کنند

در مخالفت با تحصن فارغ التحصیلان بیکار شهرستان آمل، عده ای فاآگاه و تحریک شده با مشت و لنگد بجان متحصنین افتادند. در پی این ماجرا، پاسداران کمیته محل سر رسیدند، و با شلیک تیرهای هوایی متحصنین را پراکنده ساختند. در این درگیری دو تن از فارغ التحصیلان دستگیر شدند و تاکنون هیچگونه اطلاعی از آلمان بدست نیامده است.

این تحصن بعلمت عدم توجه استنادار به تعهد کتبی اش، مبنی بر پرداخت وام و تشکیل کلاس کارآموزی برای فارغ التحصیلان بیکار صورت گرفته بود.

فارغ التحصیلان بیکار در اعلامیه ای، ضمن هشدار به دولت، نوشته اند:

راستی این جوانان فارغ التحصیل که تا دیروز در کوچه و خیابانهای شهر در مقابل رگبار مسلسل دژخیمان ایستادگی و مبارزه میکردند، امروز چه میخواهند؟ مگر غیر از این است که برای حقوق از دست رفته خود خون دادند و چون گدایان انقلاب کردند؟ یا حداقل برای استمرار انقلاب و خدمت به مردم به کاری گمارده شدند و برآستی آنها چه کسانی هستند که به نوعی سعی میکنند با ظاهر سازی و عوام فریبی از حرکات انقلابی جلوگیری کرده و با استفاده از عناصر فرصت طلب در جهت منافع ضدمردمی خود سوء استفاده میکنند و یا آن تمایز کمیته (روحانی نما) در امتانداری که خطاب به دختران فارغ التحصیل میگوید: اگر کار میخواستید بزیوید شهرنو تهران!! یعنی آنها را فاحشه قلمداد میکند. آیا برآستی نماینده انتظامات مردم بود؟ و در اینجاست با صدایی بلند و با فریادی رسا خطاب به آن سگ صفتان و در باطن گرگ، و بظاهرمیش باید بگوئیم، که فحشاء زائیده همانا جامعه سرمایه داری است که شما در تشکیل و تقویت آن میکوشید، نواز آن کسیکه برای بدست آوردن حقوق برحق خود میکوشد.

غیر اصولی و غیر قانونی بوده و، دادستان حق نداشته که کارمندان را که بخاطر مسایلی صنفی در محل کارشان متحصن شده بودند، اشتغالگر خطاب کند و بخواهد با زور اسلحه از آن رفع اشغال نماید جای خود دارد. ما دانشجویان اعلام می داریم:

۱- هرگونه یورش، چه رسمی و چه غیر رسمی، به نهاد های فرهنگی و هنری و اقدام غیر اصولی مسئولان امور بجای بحث و اقناع، برای شکستن تحصن کارکنان کانون پرورش، با توسل به سرنیزه، راپشت محکوم می کنیم. ۲- ما اقدامات انحصار طلبانه سرپرستی کانون را محکوم کرده و تسا زمانیکه سیاستهای ارتجاعی سرپرستی و جبر و اختناق و سانسور در کانون و نهاد های مشابه مسلط است، از هرگونه همکاری با اینگونه مراکز خودداری می کنیم.

# بجای قانون

بقیه از صفحه ۱

دولت آگاهانه با توجه به این سابقه که وزارت اطلاعات، و چیزی در حد وزارت اطلاعات ناصرالدین شاهي خواسته است بند از پای مطبوعات، بر دارد. و به معنای واقعی، سازمانی پدید آورد که در حکومت انقلاب و آزادی، نقش ارشادی داشته باشد.

ولی در عمل، وظیفه همین مدت کوتاه متاسفانه خلاف آنچه انتظار می رفت، از وزارت ارشاد ملی سر زده است. و این وزارتخانه تغییر نام یافته در همان راهی قدم گذاشت که دستگاههای سانسور و اختناق رژیم گذشته.

لایحه ای که به نام قانون مطبوعات در وزارتخانه تهیه شده است و طرز نظر خواهی آن یکی از موارد تأیید این استنباط است که وزارت اطلاعات سابق ماهیت قدیم خود را پشت تغییر نام پنهان کرده است.

راه دور نمی رویم، در همان مواد اول لایحه «قانون مطبوعات» لزوم صدور امتیاز برای روزنامه مورد تأکید قرار گرفته است، که با روح آزادی مطبوعات مغایر است و کشورهای غرب به کنار، در ترکیه و هند هم که دیکتاتور نظامی مستقر نیست، دیگر نشر روزنامه، از حقوق طبیعی و شناخته شده هرفرد است و کسب امتیاز لازم ندارد.

اولین قدم برای مداخله دولت در امر روزنامه نگاری، ایجاد سند امتیاز است و قدمهای بعدی مداخله، بعد از آن اجتناب ناپذیر خواهد بود. و آنچه به نام قانون مطبوعات تهیه شده تمام مراحل بعدی را در بطن خود دارد: اول لزوم امتیاز، بعد توقیف و تعطیل خودسرانه مطبوعات، بعد گستردن دام مالی و مهار کردن مطبوعات از طریق توزیع و تقسیم آگهی های معروف به دولتی.

ما تأسف انجمن را از رفتار غیر منصفانه وزارت ارشاد ملی در مرحله بررسی لایحه جدید مطبوعات ابراز می کنیم: زیرا وزارت ارشاد ملی، علاوه بر آنکه انجمن دفاع از آزادی مطبوعات را، برای مشاوره و بررسی لایحه دعوت نکرد، حضور نمایندگان

انجمن را هم در جلسات بررسی و تأیید لایحه امری انجام یافته نشان داد. و می دانید که چنین کاری در شان هر وزارتخانه ای نیست. در شان وزارت ارشاد ملی نیست. ما، طی تلگراف مورخ بیستم خرداد ماه ۱۳۵۸ هکام نشر لایحه، نظر خود را نسبت به لایحه مطبوعات خطاب به وزارت ارشاد ملی اعلام کرده ایم. و باز تکرار می کنیم که بطور اساسی معتقد به لزوم قانونی به نام قانون مطبوعات نیستیم. زیرا یقین داریم که روزنامه نویسی به منزله مبادله فکر و اطلاع افراد در جامعه آزاد است و حاجت به قید و بند و مقررات و صدور امتیاز ندارد.

اما، در مطبوعات نیز، نظیر هر مورد دیگر احتمال ارتکاب جرمی هست، که طبق مقررات قوانین جزایی، جرایم مطبوعاتی نیز قابل تعقیب و مجازات است. وحداکثر اینست که می توان در فصل یا متن خاصی جرایم مطبوعاتی چه آنها که در ایران سابقه دارد و چه آنها که در نقاط دیگر، با کیفر این جرایم تدوین کرد.

پیشنهادی که برای تأمین یک نظام مطبوعاتی شده است، تا آنجا که مربوط به خصصت حرفه ای روزنامه نگاری است، قابل درک است و می تواند مورد توجه قرار گیرد.

ما معتقدیم در شان دولت موقت انقلاب اسلامی است که جای وضع قانون تحدید مطبوعات، منشوری برای آزادی مطبوعات صادر کند که در آن، با توجه به روح انقلاب، لغو امتیاز برای نشر روزنامه و مجله، منع توقیف و تعطیل خودسرانه مطبوعات، منع سانسور، و تأیید استقلال حرفه ای روزنامه نگار تضمین شود.

رسیدگی به جرایم مطبوعاتی بطور اعم باید با حضور هیات منصفه باشد، و باید دقتی برای ثبت نام و اعلام انتشار روزنامه، جای اداره کل مطبوعات وزارت سابق و لاحق را بگیرد، و نشر روزنامه و مجله تاحد نشر کتاب ساده و آسان شود. و بخصوص دولت موقت انقلاب اسلامی، تمام قید و بند های دیکتاتوری سلطنتی را از دستبوی صنعت چاپ بردارد.

# پایان تحصن، پایان اعتراض نیست

# تحصن هنرستان و دانشکده موسیقی ملی پایان یافت

گروهی از دانشجویان، استادان و هنرجویان دانشکده موسیقی ملی، پس از آرزو تحصن محدود در محل دانشکده، دیروز عصر با صدور قطعنامه ای به تحصن خود پایان دادند. این تحصن بخاطر تعطیل مراکز فرهنگی - هنری کانون پرورش فکری و اخراج ۲۵ نفر از کتابداران و کارکنان کانون و اقدامات انحصار طلبانه سرپرست جدید صورت گرفته بود. در قطعنامه متحصنین آمده است: اکنون که تحصن کامل شده تا پایان رسیدن خواستهای بحق اخراجیان کانون پرورش فکری کودکان از آنها پشتیبانی می کنیم، و خاتمه تحصن خود را به منزله پایان اعتراض نمی دانیم. از تمامی نیروها و ارگان های فرهنگ هنری درخواست می کنیم، که این عمل خودسرانه و ضد هنری را محکوم نموده و از تمامی خواسته های مریبان و کارکنان کانون پشتیبانی نمایند.

# تیمسار رحیمی

بقیه از صفحه ۱

کودتا از جانب بعضی از نظامیان شنیده میشود گفت: اولاً که من اجازه حرف زدن ندارم. ثانیاً من قصد کودتا ندارم پس درباره این مسئله حرفی نمی زنم.

تیمسار ریاحی در پاسخ این سوال که آیا واقعا حرف زدن باعث برکناریتان بوده است، گفت: مردم باید مارا بشناسند و با ما دوست شوند. حالا اگر بعضی ها نمیخواهند من حرف بزنم مسئله دیگری است. چون از نقاط مختلف از من خواهش میکنند که مصاحبه نکنم، من هم از مصاحبه امساک میکنم.

من نمیتوانم خبرنگاران را برنجانم.

تیمسار رحیمی همچنین بر این نکته تأکید کرد که روزنامه نگاران از من می خواهند که صحبت کنم و من هم چون نمیتوانم آنها را

# هشدار ۳ نفتر آزاد شده به خلق ایران: می خواهند مسیر مبارزات را به سازش با امپریالیسم بکشانند

۳ نفتر صحت نفت، شبیر معیل، ناصر حیاتی و محمدجواد خاتمی، پس از آزادی از زندان در نامه سرگشاده ای به خلقهای قهرمان ایران، هشدار داده اند. در نامه آمده است:

اکنون که زمان بازسازی فرا رسیده و موقعیت زمانی حکم بروحدت عمل انقلابی کلیه نیروهای سازنده و مبارز را جهت استمرار مبارزه ضد امپریالیستی، برای قطع کامل ریشه های وابستگی مینماید توطئه هایی در کار است که مسیر مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای تازه از بندرستم مان را با تشدید مصنوعی تضادهای درون خلق به انحرافت سازش کاری با امپریالیسم بکشانند. و در این رابطه، با توجه به اینکه امپریالیسم و ارتجاع ضربه اصلی را در خوزستان و در قطع کامل ریشه های وابستگی مینماید توطئه هایی در کار است که مسیر مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای تازه از بندرستم مان را با تشدید مصنوعی تضادهای درون خلق به انحرافت سازش کاری با امپریالیسم بکشانند. و در این رابطه، با توجه به اینکه امپریالیسم و ارتجاع ضربه اصلی را در خوزستان و در

# پایان تحصن، پایان اعتراض نیست

# تحصن هنرستان و دانشکده موسیقی ملی پایان یافت

گروهی از دانشجویان، استادان و هنرجویان دانشکده موسیقی ملی، پس از آرزو تحصن محدود در محل دانشکده، دیروز عصر با صدور قطعنامه ای به تحصن خود پایان دادند. این تحصن بخاطر تعطیل مراکز فرهنگی - هنری کانون پرورش فکری و اخراج ۲۵ نفر از کتابداران و کارکنان کانون و اقدامات انحصار طلبانه سرپرست جدید صورت گرفته بود. در قطعنامه متحصنین آمده است: اکنون که تحصن کامل شده تا پایان رسیدن خواستهای بحق اخراجیان کانون پرورش فکری کودکان از آنها پشتیبانی می کنیم، و خاتمه تحصن خود را به منزله پایان اعتراض نمی دانیم. از تمامی نیروها و ارگان های فرهنگ هنری درخواست می کنیم، که این عمل خودسرانه و ضد هنری را محکوم نموده و از تمامی خواسته های مریبان و کارکنان کانون پشتیبانی نمایند.

# تیمسار رحیمی

بقیه از صفحه ۱

کودتا از جانب بعضی از نظامیان شنیده میشود گفت: اولاً که من اجازه حرف زدن ندارم. ثانیاً من قصد کودتا ندارم پس درباره این مسئله حرفی نمی زنم.

تیمسار ریاحی در پاسخ این سوال که آیا واقعا حرف زدن باعث برکناریتان بوده است، گفت: مردم باید مارا بشناسند و با ما دوست شوند. حالا اگر بعضی ها نمیخواهند من حرف بزنم مسئله دیگری است. چون از نقاط مختلف از من خواهش میکنند که مصاحبه نکنم، من هم از مصاحبه امساک میکنم.

من نمیتوانم خبرنگاران را برنجانم.

تیمسار رحیمی همچنین بر این نکته تأکید کرد که روزنامه نگاران از من می خواهند که صحبت کنم و من هم چون نمیتوانم آنها را

# لایحه مطبوعات طرحی

بقیه از صفحه ۱

را متهم به جعل می کند، و برای اثبات آنکه خبری جعل نیست، و فقط به اعتبار ارزش خبری منتشر شده است، فقط روزنامه نویسی می تواند نظریه دهد. و این کار، در هیچ مقامی، حتی از قاضی دادگستری، ساخته نیست - جز آن دسته از کسانی که مستقیم اشتغال خبری در رادیو و تلویزیون و روزنامه ها داشته اند - و هر سازمان و مؤسسه و شخص به آسانی می تواند به روزنامه نویسی نسبت جعل خبر بدهد. همچنین می توان استنباط کرد مورد مبهم «به هر نحو دیگر» شامل عنوان، کاریکاتور و عکس می شود، و یک تمثیل موضوع کار روزنامه کفایت می کند که عمق ارتجاعی این ماده را خوب برملا سازد: کارگران یک واحد صنعتی، به هر نامی اعتصاب کرده اند، (چنانکه در سال ۳۸ کارگران کوره پزخانه اعتصاب کردند، و اعتصاب آنها را ساواک بختیار به خون کشید) روزنامه نویسی، عکس یا خبر یا مقاله ای از ماجرا داده است، خواه به صورت شرح واقعه یا تأیید مطالبات آنها، و قدرتی که اعتصاب را درهم شکسته است یا قصد درهم شکستن دارد، و روزنامه نویسی را افشاگری در رویارویی با کارهای خود می بیند، و وزارت ارشاد ملی «مجری» قانون مطبوعاتی که الان در دست تدوین است، و هر روزنامه نویسی را، که وزیران و کارگزاران کنونی حکومت را، از معصومان، یا معتقدان عصمت و خالی از گناه و خطا نشناسد، دشمن و «کافر حربی» می پندارد، به استناد این تدارک حقوقی ماده ۱۶، بیندیشد که چه بر سر روزنامه می تواند آورد.

حتی در مورد جرایم مطبوعاتی، بحث بر سر وضع قانونی است که ناظر و شاخص و فاصل واقع گرا و جرم از غیر جرم باشد. نه دشمنی برای دستهای قدرت به به آسانی در پهلوی روزنامه نویسی اعم از هر سمت و مقام که دارد، بنشیند.

و این تمثیل بسیار فراتر از حدی که گفتیم، در زمینه های گوناگون قابل طرح است تا میزان بی اعتنائی به حق و آزادی را در قانون حاضر نشان دهد.

# وحدت در عمل مقدم بر وحدت در کلمه



# قانون اساسی، دربرابر افکار عمومی

پیغام امروز از صاحب نظران برای بیان نظر در مورد متن طرح شده قانون اساسی دعوت می کند

کرد چرا که حتی برای تساوی لغوی حقوق خلقها شرطی قرار داده اند، اصل پنجم قانون اساسی پیشنهاد میگوید «... در جمهوری اسلامی ایران همه اقوام از قبیل فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و نظایر اینها از حقوق کاملاً مساوی برخوردارند و هیچ کسی را بر دیگری امتیازی نیست مگر بر اساس تقوی».

حزب جمهوری فدراتیو خلقهای ایران در این مقطع تاریخی از زمان که سرنوشت آینده میهن عزیزمان ایران و خلقهای تحت ستم رقم میخورد وظیفه خود میدانند که موضع خود را قاطعانه و با صراحت و به دور از ملاحظات سیاسی و سازش-کاریها و محافظه کاران اعلام کنند:

۱- حزب جمهوری فدراتیو خلقهای ایران اعتقاد راسخ دارد بدون تشکیل مجلس موسسان بمعنی واقعی کلمه که شرایط تشکیل و نحوه گزینش اعضا آن باید در متن قانون اساسی تعیین شود، تصویب یک قانون اساسی دموکراتیک امکان پذیر نخواهد بود، تشکیل هر نوع مجلسی تحت هر عنوان و بهر شکل و بدون شرکت نمایندگان واقعی خلقها با رعایت حقوق مساوی برای دارندگان اصول عقیدتی، ایدئولوژیهای متفاوت و مختلف، کاملاً مردود است.

۲- حزب جمهوری فدراتیو خلقهای ایران معتقد است حق خودمختاری تمام خلقهای ایران باید در تدوین قانون اساسی بطور کاملاً صریح و آشکار که جای هیچگونه سوء-استفاده در آینده نباشد برسمیت شناخته شود. بدون در نظر گرفتن این حق بدیهی و اساسی حتی اگر از تصویب مجلس موسسان نیز بگذرد فاقد اعتبار خواهد بود.

۳- حزب جمهوری فدراتیو خلقهای ایران بر مبنای اصول عقیدتی خود که تا بیس یک نظام جمهوری فدراتیو ملی مشکل از اتحاد کلیه خلقهای میهنمان و استقرار حاکمیت ملی با رعایت آزادیهای فردی و اجتماعی و همچنین احترام به آزادی ایدئولوژیها و اعتقادات مذهبی، فلسفی و سیاسی و... است توجه همه خلقهای ایران را به این نکته حساس جلب میکند که اگر در جو غیر دموکراتیک موجود مملکتمان که انقلاب خونین ایران میبود با تکیه بر یک قانون اساسی متعجرب طرز اداره کشور را برای سالیان دراز تعیین کند، نتوانیم حقوق خلقها را تضمین کنیم دست آوردهای انقلاب یکسره نابود خواهد شد و همه خلقهای ایران در مقابل خون به هدر رفته هزاران شهید مسئول خواهند بود.

۴- حزب جمهوری فدراتیو خلقهای ایران در آینده بسیار نزدیک متن قانون اساسی پیشنهادی خود را به پیشگاه همه خلقهای ایران تقدیم میکند و انتظار دارد با دقت کامل و بی نظری این متن را مطالعه کنند و نظرات خود را اعلام دارند.

۵- حزب جمهوری فدراتیو خلقهای ایران قاطعانه به دولت موقت انقلابی، شورای انقلاب، دست اندرکاران تدوین قانون اساسی، هیئت های مشورتی و کلیه افرادی که آگاهانه یا ناآگاهانه آب در آسیات قدرت میریزند و میخواهند به بهانه واهی نبودن فرصت کافی و بطور دلخواه و عدم رعایت موازین دموکراتیک قانون اساسی را بتصویب برسانند هشدار میدهد:

که اگر حقوق خلقها که اساسی ترین آنها حق خودمختاری است نادیده گرفته شود در مقابل خلقهای ایران مسئول خواهند بود.

خلقهای مبارز میهنمان این حق را برای خود محفوظ میدارند که برای به دست آوردن حقوق از دست رفته خود مبارزه کنند و این مبارزه تا نیل به پیروزی نهایی ادامه خواهد یافت و چه بسا که ضد انقلاب واقعی و عوامل داخلی و خارجی امپریالیسم از مبارزات حق طلبانه خلقها سوء استفاده کنند.

مسئولیت هر نوع بهره برداری خائنانه از مبارزات برحق خلقهای متمدیده ایران یا دولت موقت انقلابی خواهد بود.

**حزب جمهوری فدراتیو خلقهای ایران**

تا دیروز در آشخور رستاخیز به تمحیق خلائق میپرداختند امروز مکارانه، همچون رویاه حیلہ گر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را تیول شخصی خود کرده اند: گریه شد عابد و مسلمانا، همان بوقلمون سفتانی که ناشیانه نقش آچار فرانسه را بازی میکنند و چه امیدها داشتیم که اولین گلوله های انقلاب خونین ملت ایران به سینه این روشنفکران قلبی می نشست تا خلقها برای همیشه از شرشان راحت شوند. بنظر میرسد اگر از اوضاع اقتصادی و سیاست خارجی و روابط با همسایگان و بالاخره آنچه که در ارتباط با روابط بین-المللی است، همچنین مراکز بی حساب و کتاب تصمیم گیری و دولتهائی که دولت واقعی را براحتی به حاشیه رانده اند و خود من را به صلاح دید خود تقسیم کرده اند اگر حرفی نزنیم چیزی از دست نداده ایم چرا که آنرا که عیان است چه حاجت به بیان است.

در چنین اوضاع و احوالی و در شرایطی که صدها توطئه امپریالیستی و ضد خلقی انقلاب اصیل ایران را تهدید میکند به آنچه که فکر نمیکنیم وحدت است، وحدت در عمل، وحدت بمعنی واقعی کلمه، به چه راحتی صفوف ملت را بدون کوچکترین تمیق و تفکر از هم جدا می کنیم، فاصله ها را که پر نمیکنیم، روز بروز به دلائل کاملاً شخصی، خندند-هائی نیز ایجاد میکنیم که سالها وقت لازم است تا پر شود، آن وقت پس از مدت ها به مصداق مثل معروف کوه موش زائید، چیزی بنام قانون اساسی به چند طریق ظاهرالصلاح منتشر میشود، بار اول یکی از روزنامه های عصر تحت عنوان رئوس قانون اساسی، متنی را منتشر میکنند، روز بعد گفته

## بدون مجلس موسسان قانون اساسی دموکراتیک امکان پذیر نخواهد بود

میشود آن پیش نویس قانون اساسی نبود و برداشت شخصی است، همان روز روزنامه ای که به تازگی گویا مردمی شده و در حقیقت همچون برادر تنی یا ناتنی اش رادیو تلویزیون تصرف شده و بظاهر به مستضعفین تملق گرفته و بهر حال آهن فروشی را در جهت پیشبرد اهداف انقلاب به روزنامه نگاری کشانده است، متن کامل را منتشر میکند و بازی را میبرد، بالاخره چند روز بعد متن قانون اساسی بطور رسمی منتشر میشود و در معرض نقد و بررسی قرار میگیرد، ناگفته نگذاریم که قبل از انتشار متن اصلی تمهیداتی بکار برده شد و زمره هائی را آغاز کردند تا تشکیل مجلس موسسان را که یکی از شرایط اصلی و بدیهی خلقهای ایران است به نحوی از انحاء تبدیل به مجلس خواص کنند، اعتراضات شدید گروهها، احزاب، دستجات سیاسی، کانونهای مترقی و فرهنگی و علمی و حتی حقوقدانان و کانون و کلاعدادگستری که صالحترین مراجع برای تدوین قانون اساسی بودند و عدم تشکیل مجلس موسسان را با دلایل کافی و کاملاً منطقی مردود می شمردند، نه تنها راهی به دل حاکمان قدرت نیافتند بلکه انگ و برچسب نیز خوردند و به کناره افکنده شدند یا به سازشکاری تن دردادند. آنچه در بررسیهای اولیه دستگیرمان شده است اساسی ترین حق خلقهای ایران را که تحت ستم مضاعف بودند یعنی حق خودمختاری بطور کلی نادیده گرفته شده است و این برخلاف اظهار نظر هائی بود که قبلاً ابراز میشد.

حزب جمهوری فدراتیو خلقهای ایران که در جهت ایجاد یک ایران آباد و آزاد و مستقل بر اساس اتحاد همه خلقها مبارزه میکند با حسن نیت فراوان در انتظار تدوین یک قانون اساسی دموکراتیک بر پایه به رسمیت شناختن حق خودمختاری بود، به دقت مسئله قانون اساسی و چگونگی تصویب آنرا دنبال میکرد (در این مدت با استفاده از کار-شناسان و حقوقدانان، بررسی قومیتها و فرهنگهای اصیل کلیه خلقهای ایران مشغول تدوین یک قانون اساسی بود که اینک مراحل پایانی خود را می گذراند و در آینده نزدیک به معرض قضاوت و نقد و بررسی افکار عمومی خواهد گذاشت) متأسفانه با انتشار پیش نویس قانون اساسی بکلی قطع امید

هنوز چهار ماه و چند روز از قیام یکپارچه و نبرد مسلحانه و سرنوشت ساز همه خلقهای قهرمان ایران که بالاخره رژیم فاسد و خودکامه و کثیف شاهنشاهی را عملاً بر رویخت نمیکند که بنظر میرسد انقلاب به راهی می رود که کشانده میشود که فرسنگها با اهداف اصلی فاصله دارد، باید در شرایط فعلی نتوان به جرات گفت که به بیراهه میروید یا برده میشود ولی همینقدر هست که دیگر خبری از یکپارچگی و اتحاد و همبستگی که انقلاب را پیروز ساخت است، در یک بررسی اجمالی میتوان درک کرد که وحدت کلمه عملاً بیگ شمار بدون محتوی و کلیشهای تغییر یافته است، کوچکترین اظهار نظر برخلاف نظرات یک بعدی، یکسره-گزارانه و انحصار طلبانه که از موضع قدرت ابراز میشود به نفع بدترین وجه ممکن و متأسفانه به شیوه های کاملاً فاشیستی و ضد بشری سرکوب میشود، اعمال نظر، تحمیل، ایجاد رعب و وحشت، تهدید و حتی تلمیح که سلاح پوسیده و کهنه بیسم است، ترور افکار و عقاید، اختناق و بالاخره ارتجاع در ایجاد گسترده ای حاکم بر سرنوشت خلقها کرده است، رادیو تلویزیون همچون یک وسیله تصرف شده و غارت شده اختیار نظام غلط حاکم بر سرنوشت آن قرار گرفته است و در یک کلام قطع میتوانم مورد بهره برداری امپریالیسم نامنورده و ضد انقلاب واقعی قرار گیرد در حالیکه نهادهای آنها ضد ملی دست نخورده باقی مانده است- دلمان را برای چنین رفتن ظواهر یا معلولها آنهم کاملاً با تفسیرهای شخصی و تجریدی و کاملاً انتزاعی خوش کرده ایم، به قولی «سره عوض شده است. تمعدی درکار است به زیر

فکندن شاه خائن را که خود معلول بود بزور هم شده بجای وسیله هدف قرار دهند، گنجه معلول چرا که اعتقاد داریم ملت اصلی و اساسی امپریالیسم جهان خوار است که دیکتاتور بسازد و نظام استبدادی را حاکم بر سرنوشت خلقها میکند که تا آنجا که بتواند به استثمار و استثمار ادامه دهد. باز توضیح میدهم که به اعتقاد ما رفتن شاه مخلوع وسیله بود هدف، وسیله بود برای رسیدن به آزادی و دموکراسی و ماندن خلقهای میهنمان از سلطه امپریالیسم که هدف غائی نهائی انقلاب پرشکوهمان بود. در ارتباط با وقایعی که در چند هفته گذشته رخ داده است باز میبینیم بحثها تبدیل به جدال شده است و نتیجه گیری مشکل، موضع ضد امپریالیستی دولت و دارندگان قدرت به شدت رنگ باخته، منطلق مطلقاً به دور افکنده شده است، خشونت، توهین، تحقیر و بالاخره منطقی و منسجم به آسانی جای ارشاد، توضیح و جوابگوئی را گرفته است، بدیهیات به سهولت حاشا میشود و میدانیم که دیوار حاشا بلند است، از موضع قدرت حرفهای زده میشود که یادآور تلخ و گزنده قلب واقعیتهاست است که در رژیم ضد مردمی و ضد خلقی گذشته به خلقهای تحت ستم ایران تحمیل میشده. میگویند هر که با ما نیست (تفسیر با ما بودن کاملاً به دور از انصاف و صرفاً توهم واهی است) ضمن ما است، چوب تکفیر بر سر مطبوعات، حقوقدانان و کلاهی دادگستری و همچنین خلقهای که خود را آزاد شده میدانستند و سازمانها و احزاب ملی و مترقی و روشنفکران، دانشآزمایان و حتی روحانیانی که محافظه کارانه کنار نشستند و به اظهار نظری بسنده میکنند، بیگسان فرود میاید، یک مرتبه همه شیاطین و کمونیست میشوند بدون کوچکترین وجه-اشتراک و با یک دنیا وجه افتراق، یا کلمات به آسانی بازی میشود، لغظتی در حد کسل کننده جریان دارد که بدنیاش یا تکذیب است و یا تفسیر و توضیح و بالاخره رفع و رجوع با همان شیوه هائی که ۲۵ سال گذشته خلقهای ما را بیازی گرفته بود، پرونده غرور انگیز ملی شدن صنعت نفت که کسر امپریالیسم را شکست و ملت های تحت استثمار را از خواب بزرگوشی بیدار کرد به یکباره دور انداخته میشود. کسانیکه

## ملیت ایرانی اقلیت های مذهبی نادیده گرفته شده

و مسیحیان در ایران ملیت ایرانی آنانرا مشخص نمی سازد و بخصوص این طرز تعریف در مورد یهودیان ممکن است مورد سوءاستفاده تبلیغاتی عوامل فاشیسم وابسته به محافل امپریالیستی که یا دادن شعار هائی علیه یهودیان ایران می-کوشند آنان را زردم میباشان بصورت بیگانگانی معرفی نموده و تولید جدائی و نفاق نمایند قرار گیرد و همچنین وسیله بدست عناصر صهیونیستی خارجی بدهد تا در آذهان توده های یهودی ناآشنا به مسائل سیاسی این فکر را خطور دهند که برای آنان پذیرش مناسبی در بین

ملیت ایرانی اقلیت های مذهبی نادیده گرفته شده : دانش راد نماینده جامعه روشنفکران یهودی در مسینار و استهای ملت از قانون اساسی گفت : کسانی که از نزدیک به وضع طبقاتی جامعه یهود ایران آشنائی ندارند ، وجود عده ای ملی سرمایه دار وابسته را که با استفاده از ظرف ۲۵ سال اخیر اقتصادی حاکم بوجود آمده اند صرف این جامعه میدانند و کار-طبقات و یا استقلال بزرگ چند خانواده را نمونه ای از وضع طبقاتی اکثریت یهودیان ایران می آورند . در حالی که اقتصاد طبقاتی که در همان زمانی برقرار است ، در جامعه یهود نیز حکم فرماست ، اکثریتی متکس و معروم و دچار ستم و فشار اقتصادی در برابر اقلیتی متمتع و سرمایه دار بزرگ تازه شرایطی که سرمایه داری کمپرادور اعم از اینکه در شانسانه مذهب آن یهودی ، مسلمان و یا زرتشتی قید شده باشد و یا دارای مذهب و مسلک دیگری باشد در حال غارت سرمایه های ملی است . نماینده جامعه روشنفکران یهود آنگاه ضمن اشاره به صهیونیسم و شرح مختصری در باره پیدایش آن ، به بررسی قانون اساسی پرداخت و گفت : در اصل ۱۴ پیش نویس قانون اساسی نوشته شده است «زرتشتیان ، یهودیان و مسیحیان در ایران اقلیت های رسمی دینی شناخته میشوند و در انجام مراسم دینی خود آزادند و ... عنوان مطلب به صورت زرتشتیان یهودیان

داشته باشد هر فرد لایق و صالح ایرانی را از هر مذهب و قوم و نژاد به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب کند و همچنین بوسیله هر فرد ایرانی به نمایندگی انتخاب شود .

**خواستهای آرامه**  
آلبرت برناردی بنماینده گسی شورای خلیفه گری آرامه ایران سخنران دیگر جلسه روز گذشته مسینار بود . او ضمن اشاره به اصول چهاردم ، بیست و یکم و پانزدهم گفت : اگرچه مفاد اصول فوق الذکر خواسته های اقلیت مذهبی آرامه ایران را به نحوی که در متن پیشنهادی مذکور ذکر شده در بر نمی گیرد اما تذکر این موضوع ضرورت کامل دارد که تدوین کنندگان پیش نویس قانون اساسی موقعیت

اقلیت های مذهبی ، حقوق قانونی آنان و تعدادی از مسائل مهم دیگر را مورد نظر قرار نداده اند . از جمله در اصل چهاردهم ضمن اشاره به اقلیت های مذهبی ایران و تصریح این امر که در موارد احوال شخصی و تعلیمات دینی طبق آئین خود عمل خواهند کرد ، دو نکته مهم وجود دارد . اول آنکه در مورد بزرگترین اقلیت مذهبی مقیم این کشور فقط به ذکر مسیحیان بطور کلی اکتفا شده است در حالیکه قسمت اعظم مسیحیان ایرانی را اقلیت مذهبی آرامه تشکیل می-دهند و در عین حال آموری های مقیم ایران نیز در شمار مسیحیان ایرانی می باشند . حال با توجه به اینکه مسیحیان دو نماینده در مجلس خواهند داشت معلوم نشده است که اینها آموری خواهند بود یا ارمنی .



# دشمن با نقابی بر چهره در میان ما

## مقالات

### دم خروس!

دولت موقت علی‌رغم روند انقلاب خلقی در جهت تحکیم موانع استبداد و ارتجاع زخم خورده قوانین سرکوبگر رضاخانی را احیا میکند بی‌آنکه فاتح‌های نشارش سازد. دولت مبعوث انقلاب روز بروز پیوند های خود را به خلقهای تحت ستم بیشتر میگسرد و موقعیت خویش در جهت تامین خواستهای سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم استوارتر میسازد. در آغاز پیروزی انقلاب شعارش ایجاد جامعه بدون طبقه بود ولی چون الگوی شناخته شده‌ای داشت و فعالیت سرمایه داری در آن نفی شده بود زود بدست فراموشی سپرده شد. و شعار جامعه توحیدی را که خودشان هم نمیدانند چیست پیش کشیدند. چنانچه از قرائن پیداست جامعه‌ایست در بطن سرمایه - سالاری. این چگونگی جامعه‌ایست که در آتش دردم جوش بورژوازی ملی و لیبرال روابسته معلق است! ملت ایران اجازه نمیدهد سرنوشت اسب‌صاری را برایش بسازند. آسبی که روی چشمانش را می‌بندند و روزی دویت کیلومتر راه می‌برندش وقتی که چشمپایش را باز میکنند می‌بیند هنوز همانجاست که بوده. اگر ملت ایران خواهان تسلط سرمایه‌داران غارتگر داخلی و خارجی بود آنها را تحمل میکرد و دل‌ورانه قیام نمیکرد. جای شگفتی نیست که انحصار طلب مرتجع از فرط مبهجوری گسستگی از توده‌های خلق به قوانین رژیم منحن رضاخانی توسل جوید و دست‌آوردهای انقلاب را به ورطه هولناکی بکشاند. امپریالیسم را با پابراند و با دست به آشوش کند،

شورا های کارگری و روستائی داده نشده ، اجحاف و گران-فروشی متداول است ، درآمدها در مسیر کمک به دستمزدبگیران و حمایت حقوق‌بگیران بر پایه یی سالیانه تعدیل نشده ، برای توسعه اقتصادی داخلی اقدامی نشده ، در ملی کردن صنایع اهمال گردیده است و بدین ترتیب تثبیت حاکمیت ملی ، کنترل تولید کارخانجات زیر نظر شورا های کارگری ، تامین حق حاکمیت مردم ، ریشه کن نمودن پایگاه های اقتصادی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم انحصارگر و اساسیترین و حیاتی ترین اصل مبارزه با امپریالیسم میباشد که باید و حتما سرلوحه قرار گیرد. ونیز رفع تسلط گروه های انحصار طلب و خودکامه ، مبارزه با انگیزه های منافع شخصی و فردگرای که بیگمان عوامل استبداد و امپریالیسم در کمینند و خطر بازگشت غول استبداد ، خطر دیکتاتوری با چهره های دیگر ، خطر تفرقه ، خطر قدرت طلبی و انحصارخواهی ، دستاورد این خطر در اشکال و طرق مختلف و راه های گوناگون خود می‌نماید .

انقلاب در خطر تفرقه است و دشمن در کمین با نقابی بر چهره در میان ما .

بناباید انقلاب را پاسداری کنیم با هوشیاری و اتحاد ، نامردمان و مفرضان را در هر لباس و مقام و موقعیتی رسوا کنیم. بیابند محیط انقلاب را پاکسازی کنیم . اما اگر اکنون غفلت رواداریم و آیندگان به داوری برآیند ننگ را تاریخ برمانیخشد.

مسعود میناوی

اندیش و ترقی خواه را رداومپیا میدارند.

اینک هشدار به همه آزادخواهان و آزاد اندیشان ، هشدار به روحانیت مترقی و همه پاك‌اندیشان روشنفکر و آگاهان پاك‌نهاد.

نهضت پس از پیروزی برغول استبداد که جز با اتحاد و هبستگی همه اقشار جامعه و بجا گذاردن بسیار شهیدان و بزرگ مردان جان باخته دستیافتنی و میسر نمی بود انقلاب کرد . اما انقلاب یعنی منهدم ساختن ماشین جنسی استبداد حکومت محدد رضاشاهی و جایگزینی دولتی مردمی بجای آن که در این خواسته چندان موفق نبوده‌ایم و چرا در این مهم توفیق نداشتیم؟ بی‌شک در تغییر رژیم موفق بوده‌ایم که کاری بس عظیم و دشوار بود اما اصل مبارزه طبقاتی تغییر تمامی نظام و گزینش حکومتی بجای آن که با بدست آوردن قدرت ایجاد سیستم های انقلابی راستین و صلح هرگونه وابستگی را در کلیه زمینه‌ها از اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی را دارا باشد نداشته‌ایم و همچنان هنوز سیستم های دوران گذشته دست نخورده باقی است .

وقانون اساسی جدید نیز بصورتی مشکوک در شرف تدوین است و چنانچه از طریق مجلس موسسان بنظر خواهی گذارده نشود کاری غیر دموکراتیک و اسفبار خواهد بود . دولت موقت انقلاب در اعظم مسائل موفق نبوده است ، بیکاری همچنان باقی است ، مشکلات اقتصادی دست و پاگیرند ، برای بهبود بخشیدن وضع کارگران اقدام مثبتی نشده ، اهمیتی به تشکیل

سرچشمه هرج و مرج آشوب در انقلاب نوپای ایران کجاست؟ آبشخور عناصر ضد انقلاب و عوامل ارتجاع را کجا باید یافت؟ خفقان و ارعاب ، خودسری و کوردلی و نامردمی از کجا مایه میگردد ؟

هجومهای نامیمون و تجاوز بحریم مقدس آزادی نویافته این گوهر دیرپاب گرانبیا را درچه باید جستجو کرد ؟

تهاجم آشکار و پنهان به آزادی اندیشه و بیان ، ایجاد فضای ترور افکار و ترور اشخاص ، اختناق ازسوی مسئولین رسانه های گروهی دولتی یادارسته ، هجوم به نشریات مترقی ، تحریف رویدادها و قلب حقایق ، یورش بی محابای ترور ، تکفیر و اختناق وسیله عوامل کوردل و ناآگاه به ساخت ارزشمند خلق های مستعدیده را چه گروه یا کسانی پشت پرده کارگردانی میکنند ؟

دیوسیرتان و ددمشانی که نقاب مردمی به چهره نامردمی خود زده‌اند ، طراحان شیوه‌های نوظهور فریب و ریا ، پدید آورندگان نظامهای حکومتی فاشیستی ، انحصارطلبان طالبان قدرت ، عوامل امپریالیسم ، آنانکه فضای نا امن را خوش‌دارند ، وابستگان به قدرتهای استبدادی فاسد ، تون تاپها ، حامیهای خون که هوای مسموم مردابهای عفن تحجر را تنفس میکنند ، آنانکه دروغ را اشتهای میدهند ، چه در راستای صداقت و راستی رسوا- یانند ، توسعه طلبان و تجاوز- کاران بحریم پاك و مقدس مردم ، طراحان هجوم های خونین به خلق های راستین کرد و ترکمن

## ریشه‌های تاریخی و اقتصادی امپریالیسم

(۹)

يك مقطع زمانی ۵۰ ساله نشان میدهد توجه رکنها

سال	کل جمعیت	کل کارگران	نسبت کارگران به کل جمعیت
۱۸۵۱	۱۷۲۹ میلیون	۴۸ میلیون	۲۳٪
۱۹۰۱	۳۲۵ میلیون	۴۹ میلیون	۱۵٪

رشد روزافزون تعداد مهاجران، از کشورهای عقب‌مانده به کشورهای امپریالیستی، نشانه دیگری از گندیدگی متداوم نظام امپریالیستی است. این مهاجران عهده‌دار خشن‌ترین و پست‌ترین کارهای صنعتی، کشاورزی و سرویسی میباشند.

۷- امپریالیسم از دیدگاه طبقات

به راستی چگونه است که گروهی بر این پندارند که در امپریالیسم میتوان چیزهای «خوب» برای ملت‌های استثمارزده پیدا کرد و با چنین تبلیغی، به‌جای دردم دریدن رشته‌های امپریالیستی، به اجلاس می‌نشینند تا «خوب» و «بد» حلقه‌های اسارت را به محك سنجش بکشند؟ به راستی چگونه است که برخی می‌گویند در کشورهای امپریالیستی، هم ارگان‌های حکومتی «صالح» پیدا می‌شود و هم دولتمردانی «منصف و بیطرف»، و زیر چنین عنوانی آنگاه که «قوة مقننه» امپریالیسم دندان نشان میدهد به دامن «قوة مجریه» اش پناه می‌برند، و وقتی «قوة مجریه» امپریالیسم رسوائی به‌بار می‌آورد دست‌عبدالخواهی به‌سوی «قوة مقننه» اش دراز میکنند، در عجب میشوند که مثلا چرا در پلاقرم ۱۴ ماده‌ای بورژوا لیبرال ایران (تیر ۵۷) حتی يك كلمه در انتقاد از امپریالیسم دیده نمی‌شود و در تطق رهبر بورژوازی لیبرال ایران (مصاحبه ۲۹/۳/۵۸) پاروزنامه‌ی اطلاعات) سخنی از فجاجع امپریالیسم به میان نمی‌آید چنانچه پنداری انقلابی در کشور ماعلیه امپریالیسم صورت‌نگرفته است؟ جز در مواضع که‌پای سرسپردگی در میان است، در اصول، علت رامی‌یاید در مواضع طبقاتی جستجو نمود. «طبقات گوناگون جامعه، برحسب آیدئولوژی عمومی خود، روش‌های مختلفی نسبت به سیاست امپریالیسم اتخاذ می‌نمایند».

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» اخیرا گزارش داد که آهنگ صدور سرمایه، و همراه با آن ترقی سود ناشی از نولخواری، شتاب روزافزونی پیدا کرده است. وضع قرصه ممالک عقب‌افتاده (خارج از اولك) به سرمایه مالی جهانی به شرح زیر است (بیکره‌ها بر حسب دلار است):

سال	میزان قرصه	میزان نزول سالیانه	هزینه تنزیل
۱۹۷۰	۶۲ میلیارد	۸ میلیارد	۱۲۹٪
۱۹۷۸	۲۷۴ میلیارد	۴۰ میلیارد	۱۴۶٪

«بدین ترتیب سازمانهای مالی بین‌المللی و بانکهای کشورهای امپریالیستی يك شبکه گسترده جهانی بوجود آورده‌اند که تارهای آن روز بروز کشورهای توسعه نیافته را به اسارت مالی بیشتری میکشاند و در نتیجه این کشورها را به قبول طرح های امپریالیستی و ادار میسازد و این طرح‌ها باعث وابستگی بیشتر این کشورها به امپریالیسم می‌شوند». هوبسن، در ۷۰ سال قبل، سرنوشت این نظام انگلی را با سرنوشت امپراطوری رمدیم مقایسه میکند و در دو کیفیت، وجوه مشترکی را نشان می‌دهد: ۱- طفیلی‌گری اقتصادی ۲- تشکیل ارتش از افراد ملل وابسته، هوبسن نشان میدهد که چگونه انحصارها نه فقط در رابطه با کشورهای استثمارزده بلکه در ارتباط با «دولت خودی» نیز نقش انگلی دارد. «در عهد زیادی از شهرها مهم‌ترین رشته‌های صنعت به‌مسافرش‌های دولتی وابسته‌اند. تمایلات امپریالیستی مراکز صنایع فلزی و کشتی‌سازی نادرجهی نسبتا زیادی به این واقعیت منوط می‌باشند». هوبسن در ارزیابی دورنمای روند انگلی امپریالیسم چنین هشدار می‌دهد: «يك چنین فدراسیونی نه‌تنها مدنیت جهانی را به‌جلو سوق نخواهد داد بلکه ممکن است خطر عظیم طفیلی‌گری یاختر را دربرداشته باشد که عبارت است از : متمایز شدن گروهی از کشورهای صنعتی پیشرو که طبقات فوقانی آنها از آسیا و آفریقا خراج عظیمی دریافت میکنند و به کمک آن توده‌های کثیری از کارمندان و نوکران مطیع را نان می‌دهند...» امپریالیسم از یکسو با تشدید فقر و محرومیت در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره، توان توده‌های این کشورها را برای استقلال و آزادی کاهش می‌دهد و ازسوی دیگر با اختصاص قسمت کوچکی از غارت این ممالک به لایه‌هایی از مردم کشور خودی، جنبش داخلی را به راه‌سازشکاری می‌اندازد. انحصارها در حقیقت تمامی سیستم حکومتی خودی را به طفیلی‌گری آلوده میسازند. به‌آمار زیر که وضع انگلستان را در

درین صفحه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان و دوستان پیغام امروز منتشر می‌شود که در همین داشتن افق مشترک با روزنامه - دفاع از آزادی و استقلال عقیده سیاسی - چه بسا برداشتهای آنها از مسائل یا مشی ما یکی نباشد و ما به حرمت آزادی عقیده، این نظرها را منتشر می‌کنیم.

بطور عمده با مالکیت اراضی بزرگ هم‌پیوند دارند پایگاه عمده امپریالیسم خارجی است. این بورژوازی منافع خود را در صنایع مونتاز، در بانک های چند ملیتی، در واحدهای بزرگ کشاورزی، در سفارشات کلان وارداتی یا منافع انحصارها گره میزند و در تمام برنامه‌های غارتگری و مستکری امپریالیسم نسبت به مردم کشور خود، فعالانه شرکت دارد. بورژوازی متوسط و کوچک، که اصطلاحا ولی به نادرستی به «بورژوازی ملی» معروف شده چه بصورت مستقیم (وابستگی ماشینی و مواد خام - سفارش کالا در مقدار متوسط) و چه در شکل غیر مستقیم (عرضه‌کننده کالای صنایع مونتاز و موسسات تجاری مختلف و بزرگ) در حوزه نفوذ آیدئولوژی امپریالیستی قرار میگیرند. در شرایط بحران اقتصادی و مالی، که شیخ ورشکستگی رود روی این اقتصاد می‌ایستد، اینجا و آنجا فریادهای از درون آنها بر می‌خیزد. اما شعارها و قدم‌هایشان متزلزل و غیرقاطع باقی میماند. نشریه آلمانی «بایگانی اقتصاد جهانی» در ارزیابی خود از کنفرانس ملت‌های استثمار زده (ژوئن ۱۹۱۰) مینویسد که نمایندگان کنفرانس خواستار آنند «که دولتهای فرمانروا حق استقلال آنان را به رسمیت بشناسند» دادگاههای بین‌المللی برای اجرای قراردادهای منعقد شده بین دول بزرگ و ملت‌های کوچک نظارت کند. کنفرانس مزبور از این خواست‌های محسومانه گامی فراتر نمی‌نهد».

تنها طبقه‌ای که فایده آخر با قاطعیت تمام علیه امپریالیسم بیچنگد، تنها طبقه‌ای که با امپریالیسم پیوندی ندارد و آزادی خود را در محو کامل امپریالیسم میبیند و بالاخره تنها طبقه‌ای که با نخبه‌پرانی خود (زحمت‌کشان شهر و ده) قیر امپریالیسم را می‌کند. طبقه کارگر است. امپریالیسم يك سیستم مستکری جهانی است و نابودی آن در سطح جهانی امکان‌پذیر است. طبقه کارگر هر کشور استثمارزده به تنهایی و بدون پشتیبانی از اردوگاه جهانی ضد امپریالیستی نمیتواند پیروزی کامل بدست آورد. و این همان اردوگاه سومپالیستی است که تکیه‌گاه مطنش جنبش‌های ملی و ضد امپریالیستی سراسر جهان می‌باشد. ع. ا. هنجویان (سایان)



# سکوت دولت در برابر آزادی کشی های جاری قابل توجیه نیست

درامور مربوط بخود و کسب آزادیهای فردی و اجتماعی را میکشند تا پس از نیم قرن دیکتاتوری و اختناق و تصمیم گیریهای فردی رژیم منسوخ گذشته از موهبت عدالت اجتماعی اعطایی دین مبین اسلام برخوردار و حاکم بر سرنوشته خودباشند که متأسفانه دولت شما بدون توجه به اهداف انقلاب اسلامی ملت ایران نه تنها در حدود وعده های خود عمل ننموده بلکه نسبت به عدم رعایت عدالت اجتماعی و آزادی کشی های جاری نیز سکوت غیر قابل توجیه اختیار نموده است.

لازم میدانند که صراحتاً اعلام دارد که عدم اقدام در مورد وعده های اولیه دولت که به بروز نارسایی های موجود شده و چنانچه این رویه که مغایر با اصول اسلامی است ادامه یابد منجر به تشنج و از هم پاشیدگی جامعه گردیده و فاجعه یی تلخ به بار خواهد آورد که با کمال تأسف خطر آن مستقیماً متوجه توسعه و ترویج دین مبین اسلام و جمهوری اسلامی خواهد شد. شبه مسئولیت کامل آن به عهده دولت شما و همگی ما (مراجع روحانی) خواهد بود. بنابراین قبل از آنکه فاجعه یی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رخ دهد و مهتر از آن چنانچه خدای نکرده شبیهی نسبت به دین مبین اسلام در آذهان عمومی ایجاد شود بر کادر رهبری و دولت شماست که وعده های قبل از زمامداری را بخاطر بیاورید و اصل خود را بر اساس همان جمهوری اسلامی واقعی اصلاح نمایید.

باید هیچکس نگویید «دیروز» و دیگر سر بر نگرداند از همه راهها، کوتاها تر نشان راه امید است، راهی که راست به «دم» می رسد راهی که به زندگی نیز منتهی میشود. **گویند لاجالوس، شاعر اسپانیایی نقل از تشریح کانون کارکنان ترقیخواه بانک مرکزی ایران**

آیت الله آل شیبیر خاقانی در تلگرامی به مهندس بازرگان نخست وزیر همداراد قبل از آنکه فاجعه ای در کشور رخ دهد، کادر رهبری و دولت وظیفه دارند وعده های قبل از زمامداری را بخاطر بیاورند و اعمال خود را بر اساس جمهوری اسلامی واقعی اصلاح نمایند.

**بسم الله الرحمن الرحيم**  
جناب آقای بازرگان نخست وزیر: نظر باینکه قریب ۵ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران میگذرد متأسفانه تاکنون اقدامات مؤثری برای جامعه عمل پوشاندن اهداف واقعی انقلاب بعمل نیامده و روز به روز بر نارسایی های اقتصادی و اجتماعی افزوده می گردد لذا هشدار میدهد:

هدف اصلی انقلاب اجرای کامل موازین اسلامی بوده و می باشد و قاطبه ملت ایران از دولت منتخب خود انتظار داشته و دارند که مشکلات اقتصادی کشور با برنامه ریزی صحیح در زمینه های صنایع و بخصوص صنایع مادر، امور بازرگانی، پروژه های عمرانی، و برنامه های رفاهی عمومی مرتفع و سرریز گردد جهت توسعه قرار گیرد تا از موج بیکاری که سرچشمه فساد و تباهی جامعه بسوی استقلال و عدالت کامل اقتصادی پیش رود که در این زمینه جز رکود اقتصادی و افزودن به خیل بیکاران که موجب گسترش فساد اجتماعی می شوند تاکنون نتیجه دیگری ندیده اند. مضافاً بر اساس وعده های که در رهبری و دولت که بحق منطبق بر اصول دین مبین اسلام بوده، عموم مردم انتظار مشارکت رسمی

باید هیچکس نگویید «دیروز» هر چند مجال اندک باشد پذیر را خوب انتخاب کنید و با عشق بکارید و به ابرها اعتماد کنید. این مجزّه آبه است! روشنایی همواره زندگی از سر می گیرد. قلبها دوباره جوان خواهند شد بندهای لنگرها را خواهند برید

# دولت در آشوبهای غرب کشور، فقط ناظر حوادث است

چه، دولت در مقابله با همه سنک اندازیها و کشتارها مهر سکوت بر لب زده، و فقط در تماشاچی را ایفا می کند. تمامی مسائلی که ذکرش رفت، انگیزه و مسبب ساز این گردهمایی و میتینگ بود.

در آغاز فکر میکردیم، که اختلافات بخصوص باورهای مذهبی، بقدری حاد باشد که مسئله وحدت به سادگی امکان پذیر نگردد. اما ضرورت وحدت و هوشیاری و همدردی و همبستگی مردم، بقدری شایان توجه بود، که به تمامی نیات پست و کثیف، عوامل سرسپرده و خود فروخته، که همانا کار و بازمان جنگ آفریزی و برادر کشی است، پاسخ منفی داده.

● **بنوان یکی از نیروهای فعال و پیشرو، در منطقه کرد نشین، نظراتان درباره کنفرانس ۴۰ خرداد چیست؟**

- سازمان، کنفرانس قلابی و مرتعانه سنندج راهمراه با نیروی مذهبی و حق طلبانه شیخ عزالدین حسینی، که مسیر فکری مترقیانه شان محرز و مسلم است، تحریم کرد.

اساساً، ترکیب نیروهای شرکت کننده، ماهیت ضد مردمی کنفرانس را برملا می کند. بطور قطع، کنفرانس پوششی بود، در رده ایجاد تلاشی و رخنه در صفوف انقلابی مردم. تا با وحدت دادن نیروهای ارتجاعی و سازش و زدوبند با دولت بورژوازی فعلی، کردها را از خط و مسیر اصلی منحرف و آنان را از محتوای واقعی خودمختاری و حق تعیین سرنوشت خویش، دور نگه دارند، که در همچنان بر روی همان پاشنه بچرخد.

● **هواداران سازمان، برای بالابردن آگاهی سیاسی بین توده ها، بخصوص مناطق روستایی، چه کارهایی کرده اند؟**

- اولین گام پیوند سیاسی و فکری با توده ها است. پالنتیجه، یا بکارگیری و پایگاه طبقاتی درست سازمان، می توان در تمامی منطقه، از نیروی مادی زایا و بالندهای برخوردار گشت. اگر بتوان در روستاها حضور همیشگی و دائمی داشت، در آن صورت از کم و کیف و کارایی و سازماندهی کارها بهتر می شد صحبت کرد. اما در شرایط حاضر، فعالیت بیشتر در شهر متمرکز است. شاید بتوانیم، از طریق شورای شهر، در مناطق روستایی، در پیوند با تشکیلات سیاسی شهرها، نفوذ و پایگاه مردمی پایه ریزی شود. البته کمبود نیروی انسانی، باعث شده که در روستاها حضور موقتی داشته باشیم و نه دائمی.

● **درهنگامی تلاشهای مذبحخانه پالیزبان، و نیز نظر حاکم شرع مبنی بر اتمام آنان، چه کرده اند؟**

- در پیانی پیش آید که منافع خلق ستم دیده ایران در آن باشد، قتلانه و یا قاطعیت در آن شرکت می کنیم.

مسئولاً وقتی خبر درگیری اشرار با مردم می رسد، بعلمت کنده ارتباط و نبود وسایل لازم، تا بخود آیم، فلنگ را بسته و رفته اند. ما به نظر حاکم شرع و قوی نمی بینیم. برای دستگیری پالیزبان جد و جهد بسیار کرده ایم و می کنیم.

● **رابطه ای بین «قیاده موقت» با دارو دسته پالیزبان در منطقه مبینی؟**  
- تا آنجا که خیرها حاکمی است، همکاری و همکاری این دو عوامل دیگر، از کردستان می رسد. و حتی در چند مورد «قیاده موقت» در سرکوب زحمتکش روستایی به نفع اربابان شرکت داشته اند. جنایات و کارهای «قیاده موقت» روز بروز افزون تر میشود. به چند نمونه از سنندج اشاره می کنیم: ۱- حمله به کاروان اتحادیه دهقانان ما که خواروبار و آذوقه برای دهقانان غارت شده، «ترگور و مرگور» می بردند. که چندان از آنها دستگیر و تحویل «مفتی زاده» شدند که بعد از چند روز زندانی شدن در زندان اسلامی سنندج، آزاد گردیدند.

۲- در آبادی «وله زیر» دو معلم به اسامی عبدالله نورمینیان و همایون گداز، را بازداشت می کنند که بعد از کتک و توهین های بسیار، با دخالت اهالی مجبور به آزاد کردن آنها می شوند.

۳- یکی از مالکین بزرگ منطقه «سملدوز»، از عاملین فاجعه نهد، در منزل خود در روستای «چیان» میهمانی مفصلی برای سمود بازرانی و همراهان دیگر قیاده موقت برپا کرده بود. این میهمانی چند روز قبل از درگیری «نهد» صورت گرفته بود.

۴- محمد حسین خان، نزدیک به ۲۲۰ مسلح دارد که حدود ۶۰ تن آنها از افراد قیاده هستند. اینها همه، مشتی است از خروار. جالب اینکه، دولت در این موارد برخوردی دوگانه دارد؛ و در قبال این پیشامدها، هیچگونه مسئولیتی از خود نشان نداده، و گویا می خواهد ناظر جنگهای قومی و قبیله ای و مذهبی بین مردم باشد.

## آگهی حصر وراثت

خانم تامارا بایرامی فرزند رضاعلی بشناسنامه ۲۹۴۰۸ بندر پهلوی بشرح دادخواست کلامه ۲۰/۵۸-۷۲۲ رح این حوزه توضیح داده شادروان سیفال درویش فرزند علی اکبر بشناسنامه ۱۳۸۶ در تاریخ ۱۰/۳/۵۷ در تهران محل اقامت دائمی خود فوت نموده وراثتین القوت عبارت از متقاضی عیال دائمی متوفی آقای حسین شناسنامه ۴۵ تهران و آقای مسعود شناسنامه ۱۳۰۳ تهران پسران متوفی و خانمها فاطمه شناسنامه ۹۷۴ تهران و مهری شناسنامه ۱۵۰۹ تهران و سپین شناسنامه ۱۸۵ تهران و مهناز شناسنامه ۲۰۰۷ تهران دختر متوفی شهرت همگی درویش لدا مراتب مه توبت ماهی یکم رتبه در روزنامه آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای از درگذشته نزد اشخاصی باشد طرف سه ماه از نشر آگهی به حوزه ۶ شورای داورى تهران تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتنامه جز رسمی و مری که بعد از این موعده ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

مراتف ۱۳۳۹ حوزه ۶ شورای داورى شهرستان تهران معمد احتشام

● عوامل سرسپرده پالیزبان، در جنگ روانی علیه زحمتکش، از خلاء قدرت دولت استفاده می کنند.

● اولین گام پیوند سیاسی و فکری با توده ها است. کزند غرب در ۹۰ کیلومتری کرمانشاه رسیده به قصر شیرین، یکسر حال و هوای خاص خود دارد.

● سوای حول و حوش و آکنافش، تنها، در میدان ورودی شهر تصویر آیت الله طالقانی دیده میشود و در همان نزدیکی جمله ای بر سردر یکی از تابلوهای خیر مقدم: «راه لبین راه ه زحمتکش».

● شهر کوچک کرند، با جمعیتی ۷ هزار نفری، و خصلت خرده بورژوازی که هنوز سیطره خرده مالکی اقتصادی انفرادی بر آن تفوق دارد، اموراتش را می گذراند.

● روستاییان کرند که به تقریب ۲۵۰ ده می رسد، دهقانان فقیری را تشکیل میدهند که با ساده ترین شکل اقتصادی یعنی، تولید کوچک بستیگی دارد.

● اکثر مردم «اهل حق» اند، با سبیل های کلفت و زمخت و از بناگوش در رفته، و عده کمی زرتشتی و شیعه.

● اساساً بخاطر همین یکدست نبودن باورهای مذهبی، درین خطه، با مذهب برخوردی انحصار طلبانه و یکسویه موجود نیست. و بیش از سایر جاهها، بدعت گذاریها و نوآوریها را می پذیرند.

● ستم ملی و ستم طبقاتی، در آداب و رسوم و حتی چگونگی شکل گیری روزه و نماز مردم اثر گذاشته، و زمینه را برای پذیرش رگه هایی از زندگی اشتراکی مهیا می سازد.

● نکته قابل ذکر، حفاظت و پاسداری از مردم است. که از خیلی جلوتر، بوسیله تنها نیروی انقلابی منطقه یعنی هواداران سازمان چریکی انجام میگردد. بهمین دلیل، در سفری کوتاه به کرند نخست به مقر و ستاد چریکی رفتیم. و با آنها به گفتگو نشستیم. و آنچه می آید حاصلی است ازین گفت و شنود:

● **در رابطه با چه جریاناتی، راهپیمایی و تظاهرات دوهزار نفری «کرند» برگزار شد؟**

- برای محکوم کردن غارتگری و آدم کشی بیش از اندازه در منطقه، مانند شهادت کردی، شیر کرد و محمدی و ۷ تن دیگر از اهالی «سگان» و نیز محکوم کردن اختلافات قومی و مذهبی که بین مردم کرند، گوران، قلخانی و باباجانی و ... بروز کرده بود، ضرورت چنین گردهمایی بوجود آمد.

● با توجه به این مسئله که، این دست تمایزات و اختلافات تحریکات نفاق افکنانه را، فتودالهای محلی، عوامل ارتجاع و سرپرستان رژیم مطرود گذشته، دامن میزنند. و از طرفی، نبود قدرت شرکت انقلابی و خلاء واقعی دولت در این نواحی بیش از پیش موجب گشته که زردان و اشرار در چاهول و یسفاگری خود مصر و کوشا و همچنان دستشان در غارتگری خلق باز باشد.

● برای نمونه، چندی پیش، اهالی ده «سویه حوز» برای بازداری بیشتر از غارت گوسفندان شان، به پاسگاه پاتاق شکایت می برسد، پاسگاه تنها کاری که انجام میدهد، با همکاری کمیته های محلی، دستور خلع سلاح روستاییان شاکمی را صادر میکند.

● این قبیل عوامل، به دار و دسته پالیزبان امکان می دهد، از خلاء قدرت دولت هم استفاده شایان کرده، در یک جنگ روانی علیه زحمتکش روستا، با جنگ افزارهایی چون مسلسل، تیربار یا به تعبیری هلیکوپتر، بسیج کنند و به گشت و گذار و تهاجم و دامن زدن به اختلافات مذهبی بپردازند.

● هواداران سازمان، برای جلوگیری از اینگونه تحریکات شناخته شده، که از مکانیزم سابق نشأت میگردد، بر آن شدند، که با شرکت فعالانه مردم، برای یکپارچگی و به وحدت رسانیدن آنان، با آنچه در توان دارد بکوشد و خلاء دولت را در منطقه پر کند.

● آگهی فقدان سند مالکیت - آقای عبدالحسین علریا به استناد فوریک گواهی شهود جهت دریافت سند مالکیت المثنی شهانک یک قطعه زمین بمساحت ۱۲۶ر۴۰ متر مربع پلاک ۵ فرعی از ۱۱۸۸ اصلی واقع در بخش ۷ تهران خیابان نایب السلطنه از آرامی یخچال معروف به یخچال حاج حسین که سند مالکیت آن در صنفه یک دفتر جلد ۳۴۷ ثبت ۴۶۲۸۲ بنام محمد خدایرست صادر و تسلیم گردیده که مورد ثبت مع الواسطه برابر سند قطعی شماره ۱۴۰۳ - ۴۳ر۴۸ دفترخانه ۳۹۰ تهران بمقتضای انتقال یافته و نامبرده پلاک فوق را برابر اسناد رهنی شماره های ۱۴۰۴-۲۸ر۴۳ و ۵۳۰۲ - ۴۳ر۳۹۰ و ۳۴۰۰۱ - ۳۵ر۹۳ دفتر ۲۸۳ تهران نزد شرکت ملی نفت ایران در رهن است مقتضای فوق الذکر مدعی است بعلمت آتش - سوزی در سازمان مرکزی شرکت ملی گاز ایران سوخته و ازین رفته و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراقب باشند بمصرفه یک اصلاحی مورخ بیست و نهم مهرماه پنجاه و یک الهاتی بماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در دونوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می باشد مراتب را از تاریخ نشر دومین (آخرین) نوبت این آگهی ظرف ده روز باین ناحیه اعلام و رسید دریافت نماید تنها مورد رسیدگی قرار گیرد و الایس از انقضای مدت منبرور نرسیدن واخواهی نسبت بصدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد. انتشار اول ۱۱/۴/۵۸ - انتشار دوم ۲۶/۴/۵۸ ۴/۴/۵۸

# مشکلات دانشگاهی

سعی داشت که این مرکز آموزشی را در دانشگاه کیلان (رضا شاه سابق) اقدام کند، دانشگاهی که ۱۵ دانشجو و در همین حدود کادر آموزشی داشت و با بودجه ۵۰ میلیون تومان اداره می شد.

هفته گذشته اطلاعیه ای از طرف وزارت علوم مبنی بر اقدام موسسات آموزشی عالی مازندران انتشار یافت. در گفتگویی که با یکی از اعضای هیئت علمی مدرسه عالی علوم اقتصادی اجتماعی بابلرس داشتیم، مخالفت خود را با هرگونه اقدام این مرکز آموزشی باینسان اعلام کرد.

● **در مدرسه بابلرس** رژیم سابق بعلمت فشاری که همواره از سوی دانشجویان مدرسه عالی علوم اقتصادی و اجتماعی بابلرس بر آن وارد میشد اقدام به انحلال این مرکز آموزشی در سال ۵۴ نمود. در جریان حوادث مهرماه پارسال اعضاء کادر آموزشی برای گزینش دانشجو دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب به ثمر رسید و این مرکز آموزش از فروردین سال گذشته دوباره دانشجو پذیرفت. پس از آن ارگانهای سه گانه اقدام به تشکیل شورا و انتخاب رئیس نمودند. رژیم گذشته همواره





# کارگران پروژه‌های اصفهان : بار دیگر کارگران بیکار اصفهان سرکوب شدند

## سخنی درباره قطع وام بیکاری به کارگران

### چشمه سخاوت! دولت خشکید

یکشنبه خبری خواندیم با تیتراژ «پرداخت وام بیکاری به کارگران از پایان شهریور قطع میشود». در متن خبر از قول شاه طاهری مدیرعامل صندوق وام کارگری نوشته شده بود که با توجه به برنامه ریزیهای دولت، به مرحله‌ای رسیده‌ایم که کارگران به کار گرفته میشوند و به این ترتیب پرداخت وام بیکاری به کارگران از پایان شهریور قطع خواهد شد.

شاه طاهری نیز گفته است که تاکنون حدود ۲ میلیارد ریال به کارگران وام داده شده است و بیش از صد هشتاد هزار تن از کارگران این وام را گرفته‌اند.

بله بالاخره دولت تصمیم گرفت که دیگر وام دادن به کارگران بیکار پس است.

کارگران بیکار از آغاز میدانستند که طرحی تحت نام «وام بیکاری» طرحی نیست که بتواند ضمانت اشتغال کارگران بیکار شود. میدانستند که طرح وام بیکاری حلال مشکل بیکاری نیست و می‌دانستند که این طرح تنها وسیله‌ایست برای خاموش کردن اعتراضات کارگران و می.

کارگران بیکار پروژه‌های واخری کارخانجات برای حل مشکل خود در اواخر سال ۵۷ بارها و بارها بحث و مذاکره کردند، جلسه تشکیل دادند، دورهم جمع شدند، با نمایندگان وزارت کار مذاکره کردند تا اینکه بالاخره دولت طرح صندوق وام بیکاری را تصویب کرد.

طبق این طرح به کارگران بیکاری که دارای شرایط نامبرده در طرح باشند ماهی ۲۵۰ تومان وام داده میشود. این طرح از آنجا که شامل بیش از نیمی از کارگران بیکار نمیشد با موج اعتراضات کارگران روبرو شد. کارگران دوباره جلسه گذاشتند، طرح تصویبی دولت را مورد انتقاد قرار دادند، قطعنامه نوشتند، تحصن کردند، اعتصاب غذا نمودند و بالاخره خود طرحی نوشتند و از دولت خواستند تا طرح پیشنهادی کارگران را تصویب کند. کارگران بیکار می گفتند

بیکاری مرضی جامعه سرمایه‌داری است امروز ما بیکار هستیم فردا کارگران دیگری بیکار میشوند، سرمایه‌داران همیشه برای کسب سود، همدامی را بیکار نکمیدارند تا بتوانند سطح دستمزدها را پایین آورده و شرایط کار را هر طور که می‌خواهند به کارگران تحمیل کنند.

کارگران می گفتند که دولت باید به کارگران بیکار حق بیکاری دهد، حتی که شامل هر کارگر بیکار چه امروز و چه در آینده بشود. اما در جواب این همه اعتراضات کارگران، دولت خاموش ماند و بی‌تفاوتی کامل شروع به اجرای طرحی کرد که خودش تصویب کرده

کارگران باز هم اعتراض کردند، تاخانه آیت‌الله طالقانی راهی کردند، تشکیل جلسه دادند، در دادگستری تحصن شدند اینک دولت حاضر شد تنها شرایط پرداخت وام کارگری را محدودی بد کارگران تغییر دهد.

کارگران میدانستند آنچه امروز باسم وام به آنان پرداخت میشود پند شامل کارگران دیگری که بدست کارفرمایان بیکار می‌بند، نخواهد شد. میدانستند که بزودی چشمه سخاوت دولت اهد خشکید و میدانستند که بزودی با پناه های مختلف پرداخت واقع خواهند کرد. آنان این همه را می‌دانستند و از این رونگران نده بودند. آینده سه میلیون کارگر که در سراسر کشور گردان بدنبال کار هستند و باز از این رو بود که این همه مبارز کردند بجای «وام بیکاری»، «حق بیکاری» را بنشانند. آنان می‌خواستند

زنی گذرانده شود تا برای همیشه از کارفرمایان حق اخراج کارگران لب شود، تا کارگران توسط این قانون ضمانت اجرایی برای تنگال دایم بکار داشته باشند، تا دیگر هر روز که از خواب بیدار شوند نگران اخراج و روزهای بیکاری نباشند. کارگران می‌خواستند که دولت بکارگران اینقدر لطف دارد! بجای پرداخت وام، ی اخراج کارگران توسط کارفرمایان جلوی تعطیل کارخانه‌ها، گاهها و پروژه‌ها را بگیرد.

اما دیدیم که چنین نشد. بلکه دولت تاکنون به با تمام نقلی صاحب فنی هتل بین‌المللی از ۸۵ میلیون تومان وام داده است تا تله کابین توجال را تعمیر کند. به شرکت آکام ۹۰ میلیون تومان وام داده است تا شرکت‌های را گسترش دهد و... برآستی هم که باید دیگر پولی برای وام بکارگران نداشته باشد.

آنچه برای دولت اهمیت دارد نجات سرمایه‌داران است نه نجات کارگران.

## آزادیهای سیاسی واجتماعی، تجزیه پذیر نیست

کارگران تاسیساتی و ساختمانی پروژه‌های اصفهان و حوزه طی نامه‌ای به روزنامه‌های صبح و عصر ضمن ذکر سابقه فعالیت سندیکایی خود، جریان حمله پاسداران را به محل خانه کارگر شرح داده‌اند. در چند صفحه اول نامه از انظار کارگران در مورد نتیجه بخشی انقلاب صحبت شده است و اینکه چگونه با صبر و تحمل منتظر اقدامات دولت بوده‌اند تا ۶ فروردین حین راه‌پیمایی بطرف اداره کار گروهی تحریک شده به کارگران حمله می‌کنند و با بی‌نتیجه ماندن صحبتشان با مسئولین به راه‌پیمایی بسوی استانداری مصمم می‌شوند. اینبار نیز مسلسل جواب آنها بود که کارگری بنام ناصر توفیقیان شهید می‌شود و تعدادی کارگر مجروح. در نامه می‌خوانیم: در این بین شاهد گرسنگی و بیکاری کارگران بودیم و رفاه پولدارها و شکم‌گنده‌ها و مومن‌نماها. تصمیم به تاسیس سندیکا گرفتیم. در یکی از روزهای جمعه استاندار و آیت‌الله طاهری و عده‌ای مسلح به خانه کارگر آمده و تمامی پرونده‌ها را مصادره کردند. به هر دردی زده‌ایم جواب نگرفتیم. بعد از چند مسافرت به تهران و یا مذاکره تصویب مسئولین وزارت کار به تاسیس سندیکای کارگران پروژه‌های بیکار و شاغل پرداختیم. اداره کار اصرار داشت به جای سندیکای پروژه‌های سندیکای اسلامی ایجاد گردد با توضیح کافی و دلایل منطقی پذیرفتند که فعالیت سندیکایی را نمی‌توان با مسائل فکری درهم آمیخت. برای قانونی بودن کارمان روز پنجشنبه ۱۴ تیر قرار تشکیل مجمع عمومی را گذاشیم طی نامه‌ای به دادستانی تقاضا کردیم پاسدار برای محافظت از خانه کارگر بفرستد و در ضمن در جهت احترام خود به روحانیت از آیت‌الله طاهری خواستار نماینده ایشان بودیم.

اما پاسداران که بایستی ۶ نفر باشند به دهها تن رسیدند که تحت رهبری شخصی بنام رئیس بودند. پاسدارانی که باید حفظ نظم بکنند بوسیله تعدادی همکار دیگر خود که شمار مرک بر کمونیست می‌دادند از پنجره خارج سالن مجمع عمومی با گرفتن اسلحه بسوی کارگران بداخل سالن پریدند و با ایجاد رعب و وحشت کارگران را وادار بخارج شدن از درب و پنجره و شیشه کردند که منجر به زخمی شدن و پایمال

## کرافت و رکا و نیون جواب میدهد نامه تصویب شده ربطی به قرارداد بوشهر ندارد

محترما :  
عطف به مقاله درج شده در شماره ۹۰ مورخه ۴ تیرماه ۱۳۵۸ صفحات ۱ و ۲ آن روزنامه تحت عنوان :

«با وجود اسناد انکارناپذیر خیانت آمیز بودن قرارداد های نیروگاه هسته‌ای بوشهر آیا دولت انقلابی...»

و نظر بجای نامه‌ای از شرکت کرافت و رکا و نیون که بخود زحمت داده و فقط ۲ سطر آنرا منمکس کرده‌اید خواهشمند است دستور فرمائید طبق قانون مطبوعات مطالب ذیل را در شماره آینده خود چاپ فرمایند.

از آنجائی که معلوم میشود زبان آلمانی را خوب نمیدانید و بدین جهت عکس نامه چاپ شده را بعنوان یکی از اسناد ایجاد نیروگاه هسته‌ای بوشهر میدانید وظیفه خود میدانیم حین آن نامه را برای خوانندگان محترم روزنامه پیغام امروز به فارسی ترجمه کرده تا هموطنان عزیز از متن نامه نیز مطلع شوند. (پیوست).

در مورد مطالب درج شده در مقاله پیغام امروز مورخ دوشنبه ۴ تیرماه ۱۳۵۸ تذکرات زیر لازم میباشد.

نامه درج شده اصلا ربطی به قرارداد بوشهر و نیروگاه بوشهر ندارد و همان طوریکه از ترجمه متن نامه برمی‌آید یکی از مکاتبات فنی می‌باشد بین شرکت کرافت و رکا و نیون و موسسه‌ای در آلمان غربی که برای پیشگیری از بروز حوادث احتمالی در نیروگاهها مشغول تحقیقات و بررسی می-

شدن تعداد زیادی کارگران شد و دنبال همین جریان با پرت سنک و زدن چاقو از طرف تعداد دیگری از همین افراد تونف زخمی که یک نفر آنها به بیمارستان برده شدند باقی ماندند باز همین پاسداران نظم یا حمله به انتظامات کارگران که با آنها همکاری می‌کردند بدستگیری آنها و فرستادن آنها به کمیته اقدام کرده و باز همین پاسداران نظم که بنا بخواست هیئت موسس دعوت شده بودند بدستگیری هیئت موسس سندیکا اقدام نموده و تعدادی دیگر از کارگران و بزرگان روانه ساختند. در زندان از تعدادی از آنها خواستند که تمهید بدهند که دیگر در اجتماعات کارگری خانه کارگر شرکت نکنند و اگر اغتشاشات کردند باید به شدیدترین وجه محاکمه شوند. خیلی ضداسلامی است، کسانی که خود اغتشاش در راه کارگران را بوجود آوردند به کارگران اغتشاشگر گفته و از آنها می‌خواهند که اغتشاش نکنند. ما کارگران نمی‌دانستیم که بعد از انقلاب چنین می‌شود با تهدید کارگران را در خانه کارگران متفرق ساختند و در دنباله همین عملیات بود که حدود ساعت ۲-۳ به دواز ظهر بخانه یکی از اعضای موسس دستگیر شده در شاهین شهر می‌ریزند و با یورش مسلحانه مادر و خواهران نماینده شورای موسس را تهدید می‌کنند که از خانه خارج نشوید و ما آمده‌ایم خانه را تفتیش کنیم که با مقاومت مادر و خواهران نامبرده روبرو می‌شوند، که می‌گفتند شما نامحرمید و اجازه بدید که یکی از اقوامان را صدا کنیم، که دوباره مسلحانه تهدید می‌شوند. کمیته‌ای‌ها شروع به گشت خانه می‌کنند و یکی از خواهران نماینده به آنها اعتراض می‌کند که کارت شناسائی خود را نشان دهید که یکی از پاسداران (سید مرتضی حسینی) به او فحاشی می‌کند و او را دور حیاط دنبال می‌کند و دست او را گرفته و بعنوان نصیحت به او هتک حرمت می‌کند. او با سروصدای دختی روبرو می‌شود تعدادی از پاسداران به مادر نماینده می‌گویند که فرزند شما ضد انقلابی است و ذوب آهن و پانک، و شهرداری و... را آتش زده است و اتهامات بی‌مورد دیگر. یکی از پاسداران اعتراف می‌کند که فرزند شما را در خانه کارگر دستگیر کرده‌اند. در همین موقع مادر نماینده شوکه می‌شود که موجب لمس شدن قسمتی از بدن او تا چند ساعت می‌شود پاسداران بعد از اینکه تمام خانه را چندین بار بهم زده خانه را ترک می‌کنند و گردنبدن مادر نماینده پیر مغفود می‌شود. هنوز ۵ نفر از کارگران در بند می‌باشد.

باشد. جلوه دادن آن نامه به صورت یکی از اسناد ایجاد نیروگاه هسته‌ای در بوشهر کاملاً بی‌اساس است.

در مورد مسائل ایمنی نیروگاه بوشهر باید گفت که سازمان اتمی ایران در اوائل سال ۱۹۷۸ در گردهم آئی بین‌المللی در وین اظهار داشت که برای تاسیس نیروگاه هسته‌ای بوشهر نه فقط تمام قوانین و مقررات ایمنی ایران و آلمان در نظر گرفته شده بلکه حتی شرایط اقلیمی مثل رطوبت هوا و خطرات بروز زلزله نیز در محاسبات مطرح نیروگاه بوشهر مورد نظر قرار گرفته است.

همچنین این شایعه که نیروگاه هسته‌ای بوشهر فقط و فقط یک کمک متخصصین خارجی قابل بهره‌برداری میباشد کاملاً بی‌مورد است. حقیقت آنست که صدها ایرانی در آلمان غربی در دوره‌ای که گذرانده‌اند قادرند نیروگاه هسته‌ای بوشهر را از لحاظ مدیریت و تخصص فنی اداره و از آن بهره‌برداری کنند.

این متخصصین ایرانی همان دوره‌ای را گذرانده‌اند و همان امتحانی را پشت سر گذارده‌اند که خود آلمانها نیز می‌باید آن دوره را طی کنند. شما با اظهارات خود متخصصین ایرانی را که از متخصصین مالکی مثل هندوستان، پاکستان، ترکیه و آرژانتین و غیره بحساب آورده‌اید.

آیا شما میخواهید بدین وسیله بگوئید که کارآئی متخصصین ایرانی کمتر از خارجیان است. چطور متخصصین مالک دیگر قادر به اداره نیروگاه خود هستند ولی متخصصین ایرانی خیر؟ گذاردن همه گونه مطالب فنی اعلام میدارد. ترجمه نامه: عطف به مصاحبات اخیریه که با شما داشتیم طی آن به اطلاع ما رسانیدید که ATWS در شرایطی خاص می‌تواند در جلوگیری از زیانهای کلی سهم پسزائی را دارا باشد، بدین وسیله عقیده خود را درباره این مجموعه، بخصوص در سؤال مربوط به واکنش قطع کن به - استحضار میرسانیم: در تحقیقات خود بطور مثال در انتشاریه MRR 163 چنین فرض نموده‌اید که قطع فوری توسط از کارافتادن سیستم محافظ راکتور فقط با خرابی مکانیکی میله‌های هدایت کننده وارد عمل میشود. طبق تعریف مندرج در نشریه فوق در نامناسب ترین شرایط یعنی جا نیفتادن ۲ میله هدایت کننده بدان معنی خواهد بود که راکتور با وجود دارا بودن یک درصد رزرو قطع کننده بطور کامل از کار نمی‌آیستد. این چنین استنباطی جهت استفاده ساله پیشگیری از حوادث احتمالی ATWS صحیح نمی‌باشد. بدین منظور محاسباتی را که تا بحال در KWU انجام گرفته در گزارش فنی شماره 305/79 - R 122 برایتان ضمیمه می‌کنیم.



### افت و ریزش آونیون آلمانی

۲- برای آنکه خاطر این شرکت، جمع شود که ما لازم برای موضوع بحث در اختیار داریم، و هم آلمانی، ترجمه متن یکی از اسناد واکه شرکت را می‌تاب کرده در نخستین فرصت منتشر خواهیم کرد.

۳- بحث ما، درباره مساله ایمنی نیروگاه‌های بوشهر، و اینکه هنوز مسایل ایمنی را کشورها، در آلمان تازه است، موجب طبع دوسطر از نامه جوابی شرکت به موسسه ایمنی را کشورها شده بود. و به همین دلیل بود را ملزم به چاپ ترجمه کامل آن نامه نمی‌دانیم، پس که جنبه باریک فنی دارد.

۴- خوشحالیم که آقایان واسطه‌ها، با پای خود به آمده‌اند، و فرصت داده‌اند که مطالبی دوباره موضوع شود:

شرکت آلمانی و نماینده ایرانی آن که به عنوان مدافع نیروگاه‌های هسته‌ای بوشهر سر در آورده، جای آنکه توضیح بدهد، آیا مسایل ایمنی نیروگاه‌ها، بطور کامل بررسی شده است و خطری برای مردم ایران، بطریق خاص و دیگر ساکنان ناحیه ندارد، به پیشینه در این راه چگونه طرح مطلب می‌کند:

دوسرود مسایل ایمنی نیروگاه بوشهر باید گفت که سازمان انرژی اتمی ایران در اوایل سال ۱۹۷۸ در گردهم آیی بین المللی در وین اظهار داشت که برای تأسیس نیروگاه هسته‌ای بوشهر نه فقط تمام قوانین و مقررات ایمنی ایران و آلمان در نظر گرفته شده، بلکه حتی شرایط اقلیمی مثل طوبیت هوا و خطرات بروز زلزله نیز در محاسبات و طرح نیروگاه بوشهر مورد نظر قرار گرفته است.

خوب دقت میکنید. شرکت آلمانی، جای آنکه خود را با اسناد روشن تضمین شده رعایت و بررسی کامل جنبه‌های ایمنی را ارائه دهد، به قول مسئولان ایرانی سازمانی استناد کند، که در خدمت منافع انحصارهای بین المللی، از هیچ ماورای به حقوق مردم کشور خویش فروگذار نکردند. یکی موارد این خدمت، سه تا چهار برابر کردن قیمت نیروگاه برای مردم ایران بود که خود می‌تواند آغاز دلیل برای ملی‌های دیگر باشد:

مورد دوم این است که همان کسانی که سخنانشان به زبان سند در «گردهمایی وین» مطرح شده، چندماه بعد اتهام نادرستی و سوءعمل، حتی در حکومت سرسپرده شاه پرورد، پرونده‌شان به دادگاه فرستاده شد. از این گذشته این مقامات نامطمئن و ناصالح در خدمت رژیم بودند و بطریق مصالح مردم، و علیرغم اعتراض‌های شدید و مکرر، قصد داشت کویر لوت را، در قلب ایران به جانب رود به زیاده‌دانی فضولات هسته‌ای غرب تبدیل کند و درین سینه، لایه با کمک همان مقامات مورد استناد شرکت آلمانی، بقول و قرار را به روی اتریش گشوده بود!

استناد به قول و قرار چنین مقامات و کارگزاران چنین ایمنی، اگر از سرآگاهی باشد، شرم آور است. و ما رابه آن ضرب المثل فارسی می‌اندازد که به رویاها گفتند که «مذلت» گفت دم!

۵- در مسیر همین دفاع، که هیچ به شرکت آلمانی زبانت ندارد، ناگهان عرق تاسیونالیسم گرایی حضرات به جنبش در آمده است، و با شیوه تحمیتی که دیگر در این دزدگاریه ابتدال کشیده شده، به اصطلاح به نویسنده افشاگر موم آورده‌اند که: «شما با اظهارات خود منحصصین ایرانی را کم ارجتر از منحصصین مالکی مثل هندوستان، پاکستان، ترکیه و آرژانتین و غیره به حساب آورده‌اید. آیا شما می‌خواهید بدینوسیله بگوئید که کارایی منحصصین ایرانی کمتر از خارجیان است.»

این شیوه تعمیق، چندان از مرحله پرت است که فقط نامت خنده می‌شود. ماهیچ نوع تعصبی روی برتری نژادی و برتری بودن یک رنگ یا ریشه قومی یا طبقه معین و تقسیم بندی جغرافیایی نداریم. و کارشناسان و دانش پژوهان ایرانی، هندی، پاکستانی، ترک، آرژانتینی را با کارشناسان آمریکایی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و روسی در یک ردیف می‌بینیم، و آنچه عامل اختلاف سطح دانش یا تجربه آنهاست، مستقیم ربطی به رنگ پوست یا ملیتشان ندارد. مستقیم از شرایط و امکانات شخصی، اجتماعی و نظام حاکم بر جامعه آنها، ناشی می‌شود. این را هم می‌دانیم و تجربه نشان داده است، لااقل طی همین ماه‌های پس از انقلاب، که حتی ساده ترین مسایل ایرانی وابسته به غرب که تا همین آنها، از شمار تکنولوژی رژیم سرنگون شده است، طوری در ارتباط با یکی، یا مولد مورد نیاز، یا کارشناس خارجی، باعث تعطیل صنعت و سرمایه و پریشانی نیروی کار مستقر در آن شده است.

۶- ما، تردید نداریم که جای توضیح در باره برنامه‌های «ویترین سازی» شرکت آلمانی در بندر بوشهر برای کارشناسان آن شرکت بسیار آسانتر بوده که ایرادهای چندگانة اصولی ما را، درباره نیروگاه‌ها جوابی گفتند. تردید نداریم که آنها فقط روز و روزگاری می‌توانند همچنان دست درخون یعنی غرب در ایران فروبرند که اقتصاد ایران، روی خط وابستگی به انحصارها و امپریالیسم به حرکت آمده‌دهد. و هیچ دولت ملی حاضر نیست تن به قبول شیوه‌ها و نقشه‌های تبدیل یا ادامه تبدیل ایران به زایده مکنده

### نامه کارکنان سازمان دفاع غیر نظامی کشور

### و جواب ما

سردبیر محترم روزنامه پیغام امروز:

در صفحه اول مورخه ۱۳/۷/۵۸ مطلبی تحت عنوان (بازیگر فرودگاه مهرآباد حالا کجاست؟) چاپ گردیده که سخت ما را متاثر و متالم نموده از آنجائیکه تاکنون پیغام امروز را یک روزنامه مردمی و دوزخ جنجال و فتنه انگیزی و یک روزنامه منصف می‌پنداشتیم این است که سخت نگران و انگشت بدهان ما را گذاشتید.

اتهاماتی که از طرف آن روزنامه محترم به سازمان دفاع غیر نظامی کشور داده شده است نامی نیست که از یک روزنامه نگار زبردست انتظارش میرفت و این جز ضایع کردن روزنامه‌تان در نظرها و در نهایت ضایع کردن کارکنان زحمت کش این سازمان (که حداکثر حقوق ماهیانه شان از سه هزار تومان تجاوز نمی‌کند) درازهان عمومی.

اتهامات دروغی و دور از حقیقت بیک سازمان که کارکنان آن عمری ستم مضاعفی را تحمل نموده‌تک تک آنها با شروع انقلاب رهائی بخش زنجیرها را گسسته و همراه توده مردم برای فروریختن کاخهای ظلم و استبداد دژخیمان بسیج شدند و در آخر با سپر کردن سینه‌ها مردانه عمل کثیف رژیم منحل از جمله مبصر خائن را خلعید و در صدد دستگیری آن خائن بی وطن هفته‌ها و ماهها در اطراف خانه‌اش کمین کردند و با امید روزی به تیره‌و هوایی آزادتر درب سازمان را شسته و رفته و از عناصر مشکوک و ارتشی‌های - پازنشسته مستقر که چیره‌خوران خون محمدرضائی بودند. بروی رئیس جدید دولت انقلابی با زوربا کمال صداقت شروع به همکاری و مردمی کردن هر چه بیشتر وظایف سازمان کوشیدند.

اکنون آن روزنامه محترم با انتشار یک چنین مطلب که بدبختانه یا از روی عدم آگاهی کافی (که از شما بعید است) یا از روی غرض و حرص و توطئه آبرودی بر جوش انقلابی این انسانهای پاک‌زینت چه نیستی داشتید؟ شما که دم از آزادی و آزادیگی می‌زدید و خود را سری از سرها بالاتر احساس میکنید چطور نتوانستید و یا نخواستید حساب یک مزدور کثیف بنام مبصر را که سایه‌وشم چندین سال زندگی کارکنان این سازمان را سایه نموده بود جدا سازید؟ و باز با کمال تاسف باید

فصولات و ماشین مصرف امپریالیسم و نظام امپریالیستی جهان بدهد.

ما برخلاف تصور شرکت آلمانی، دلمان فقط برای ماهی‌ها نمی‌سوزد، نگران حیات و زیست در ناحیه خلیج فارس هستیم، و درین دلواپسی مساله اصلی زیست، برای ما مطرح است که شامل آدمها هم می‌شود

اما، فراموش نکنیم که در گیری و معارضه‌ها، با نیروگاه هسته‌ای بوشهر، به معنای مخالفت با ورود ایران، به عصر تکنولوژی هسته‌ای نیست. فقط اعتراض و خشم ما، به خاطر آنست که، حتی ورود به عصر تکنولوژی هسته‌ای هم، در ایران، و در نظام سرسپرده امپریالیسم، روی خطی قرار گرفت که آن خط به ادامه وابستگی، و به قبول اضطراری تمام صادرات مزاحم و تیباه کننده نظام امپریالیستی حاکم بر تکنولوژی هسته‌ای است. ما، با این نوع ارتباط می‌جنگیم و این مبارزه را به اتکای همان مهندسان و کارشناسان ایرانی ادامه می‌دهیم که می‌خواهند مستقل از فرمانروایی استثمارگر و مزاحم خدایان تکنولوژی هسته‌ای غرب، در ایران، راه این تکنولوژی را بگشایند.

### پیراهن سیاهان آمده‌اند

بقیه از صفحه ۱

و انبوه زحمتکش‌ها شغل در بخش خصوصی و سازمان دولتی، که سابق‌سعی می‌شد از آنها یک تپ نیمه مرفه خرده بورژوا، بسازند، اکنون در شرایط دشوار تأمین زندگی و ایمنی حرفه قرار گرفته‌اند کارمندان، حسابداران، معلمان، هنرمندان از هر گروه، درین شمارند، و همه جا زیر فشار هستند.

بقایای وابسته به رژیم سرنگون شده، چه آنها که جای مهاجران سابق را در اروپا و امریکا پر کرده‌اند و چه آنها که هنوز در تهران و تمام شهرها، پراکنده‌اند، با هشیاری بسیار، به سبک سنگین شدن کف‌ها چشم دوخته‌اند، و آنها که در خدمات نظامی بطور اعم بوده‌اند، پنهانی می‌کوشند وزن خود را بر کف‌های نبرد قدرت بیفزایند.

درین میان، اشتباه‌آمیزترین نقش را، آزادیخواهان معتقد به استقرار حقوق دمکراتیک در جامعه، دارند اینها می‌کنند و طوری، در محتوای تئوریهای جهانی انقلاب، غرق شده‌اند، که گمان می‌برند، از طریق تقویت یک کف قدرت طلب، راه برای تعدیل خشونت، و هموار کردن بستر مبارزه منصفانه و متعادل در جامعه هموار می‌شود. بی آنکه مجال تعمق دریافت جامعه‌ی داشته باشند که هر یک از دو کف دنبال آن هستند.

در حالی که اصل جزاین است. حکومت و قدرت رفورمیست‌های بورژوا، همان اندازه در سرکوب هر نوع جریان صاف و زلال اندیشه منایر استیلائی طبقه خود بر جامعه، مصمم و قاطع است، که روحانیت تشنه اعمال قدرت مطلقه، و تنها تفاهم این دو، سرکوب و محو هر نوع اندیشه و آگاهی دور از بستر حرکتی است که دارند. و این راه، سابقه در سرزمین خودما، و تجربه‌های چندان دور، حکایت می‌کند، و وقایع روزانه تأییدی بر تجربه‌هاست.

هدف سرکوب، بطور اعم، هر نوع جنبش صادق آزادیخواهی است، که زیر نام چه می‌تواند قرار گیرد، اعم از آنکه اصول و مبانی معتقداتش را، از کتاب آسمانی، بیرون کشیده است، یا آنکه به جامعه‌شناسی علمی، همچون است و آنکه مکتب‌گرایی سوسیالیستی دارد. و اعم از آنکه حریه‌ی جز خودکار و کاغذ ندارد.

پیراهن سیاهان، در عرصه نبرد قدرت، همیشه برای شکار این مایه‌ها آمده‌اند. و تا درین عرصه می‌جنگند نیز نه دولت بورژوا رفورمیست، با آنها کاری دارد، نه روحانیت خود را به کاری که می‌کنند، آشنا می‌سازد. هر جا که لازم باشد، حتی در اوج درگیری باهم، محاصره کنندگان قدرت به آسانی روی توقف نبرد بین خودشان، و انتقال آن، به جنبه‌ی بی‌کامالات آنها را سبک سنگین می‌کنند، توافق می‌کنند آنها، بسیار آسانتر، به دشمن اصلی و دژخیم تسلیم می‌شوند تا راه حلی برای تقاضای آزادیخواهان و نیروهای مترقی و دمکراتیک جای هر نوع امیدواری به کنار آمدن با یکی از دو کف قدرت، راهی جز افشاگری و جز ایجاد شرایط وحدت عمل روی چند شمار اصلی و در خود اتحاد و یکپارچگی ندارند.

آگهی ضرورات - خانم کبری اردبیلی بشناسنامه ۴۹۲۶ به شرح دادخواست کلاس ۱۷۸/۵۸ این حوزه توضیح داده شادروان حاج میرزا آقا اردبیلی بشناسنامه ۲۶۸ در تاریخ ۵۷/۱۲/۲۱ در محل اقامت دائم خود تهران فوت نموده و وراثت آن مرحوم متقاضی میباشد و بجز نامبرده وراثت دیگری ندارد لذا امراتب سه نوبت ماهی یکمربنه در روزنامه محلی و رسمی و آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراض دارد یا وصیتنامه ای از رگذشته نزد اشخاص باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به حوزه ۱۱ شورای دایری تقدیم دارد والا گواهی صادر روهی و وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعدا بر ارزش شود از درجه اعتبار ساقط است - ۲۹۸۹/م الف ۲/۱ حوزه ۱۱ شورای دایری شهرستان \* عزت اله اوزار

آگهی ضرورات - آقای رضامندی بشناسنامه ۵۲۷ شمشک بشرح دادخواست کلاس ۱۷۸/۵۸ این حوزه توضیح داده شادروان علیم مردی بشناسنامه ۵۲۵ شمشک در تاریخ ۵۷/۱۲/۱ در تهران محل اقامت دائم خود فوت کرده و وراثت او عبارتند از متقاضی نامبرده فرزند و خانم اسمعه بانومردی بشناسنامه ۵۲۸ تهران فرزند و بانوزهرامردی بشناسنامه ۵۲۶ تهران عمال دائمی منوفی میباشد لذا امراتب سه نوبت ماهی یکمربنه در روزنامه محلی و رسمی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراض دارد یا وصیتنامه ای از رگذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نشر اولین آگهی به حوزه ۷ شورای دایری تقدیم دارد والا گواهی صادر روهی و وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعدا بر ارزش شود از درجه اعتبار ساقط است \* تهران \* مهین بیانی

پیغام امروز  
مدیر مسئول - رضامردیان  
زیر نظر شورای نویسندگان  
ناشر: پیغام نو  
نشانی: پستی تهران صندوق  
شماره ۴۱۷۲۶۶۷



### دولت به اعتراض صاحبان صنایع ملی شده پاسخ داد

دکتر محمود احمدزاده وزیر صنایع و معادن دیروز در تماسی با خبرگزاری پارس گفت: صنایع کوچک کماکان بکار خود ادامه خواهند داد و بشرط مفسول نبودن در بند ب دولتین از آنها حمایت می نماید ولی اگر مفسول این بند قرار بگیرند دولت سهام این صنایع را به مالکیت خود در می آورد.

احمدزاده در پاسخ چگونگی به شکل مدیریت در صنایع ملی شده افزود در مرحله اول مایک مدیر یا ناظر جهت بررسی کار آنها میفرستیم سپس یک هیئت مدیره تشکیل میشود که میتواند در شورای کارگری از آن استفاده بکند.

وزیر صنایع و معادن در پایان در مورد اعتراض بعضی از صاحبان صنایع که در رسانهها اعلام شده بود گفت بعضی از صاحبان صنایع اعتقاد دارند که مولد تولیدی آنها جزء بند ب قانون ملی شدن صنایع نیست و سعی بر این دارند که خود را برکنار از این قانون بدانند به اطلاع این گونه افراد میرسد که دولت بزودی اساسی این افراد با مشخصات کارخانه و اعمال انجام شده از طریق آنها را از طریق رسانه های گروهی به اطلاع عموم خواهد رساند.

### عدهیی از رانندگان تاکسی انتخابات تحمیلی خیانت به رانندگان تاکسی است

عده ای از اعضای هیات موسس موقت اتحادیه تاکسی رانان و طرفداران 'بیجا' اتحادیه واقعی تاکسی رانان اعزام کردند که انتخابات هیات مدیره اتحادیه تاکسی رانان تهران که بر مبنای اساسنامه تعیینی سابق، که توسط ساواک تنظیم شده، انجام میگیرد، خیانت به رانندگان تاکسی است.

این گروه در تماسی با پیغام امروز اظهار داشتند: هیات موسس قاطعانه عمل نمی کند و بجای تغییر اساسنامه طاغوتی، فقط به فکر تجدید انتخابات است. همچنین قرار است فردا (جمعه) انتخابات شرکت تعاونی تاکسی رانان انجام گیرد، در حالی که اول باید اتحادیه تشکیل شود و سپس انتخابات شرکت تعاونی برگزار شود.

سلام موجودیت کمیته جوانان حزب دمکرات کردستان مستند خبرگزاری پارس - کمیته جوانان حزب دمکرات کردستان ایران تشکیلات مستند موجودیت خود را اعلام کرد.

درگیری مسلحانه در جزیره مینو آبادان - خبرگزاری پارس: سرگام دیروز در یک زدو خورد مسلحانه که بین پاسداران انقلاب و عده ای از افراد ضد انقلاب، در جزیره مینو از توابع خرمشهر روی داد یک پاسدار شهید و یک نفر از افراد ضد انقلاب مجروح شد.

پدنبال وصول اطلاعاتی مبنی بر فعالیت شبانه افراد ضدانقلاب و نقل وانتقال اسلحه در جزیره مینو پاسداران انقلاب و ماموران انتظامی خرمشهر وارد این جزیره شدند و به عوامل ضد انقلاب در حین نقل وانتقال اسلحه اختار کردند که با مقاومت مسلحانه آنان روبرو شدند.

بودجه تعیین شده مورد قبول وزارت کشاورزی واقع نشده وزیر کشاورزی اعلام کرد: بودجه تعیین شده برای کارهای کشاورزی در سال جاری هنوز مورد قبول وزارت کشاورزی و عمران روستائی قرار نگرفته است. وی در تماس با خبرگزاری پارس گفت: ایران کشاورزی است و برای پیاده کردن طرحهای کشاورزی به بودجه هنگفتی نیاز دارد. در نتیجه رقمی که سازمان برنامه و بودجه به طرحها و کشاورزی در سال جاری اختصاص داده تکافوی طرحهای کشاورزی مملکت را نخواهد کرد.

لایحه مطبوعات برای تصویب به هیات دولت فرستاده میشود دکتر ممکن معاون وزارت ارشاد ملی اعلام کرد: پیش نویس جدید لایحه قانونی مطبوعات که بانظر نویسندگان و صاحبان مطبوعات مورد بررسی قرار گرفت، از سوی وزارت ارشاد ملی تهیه شده و امکان دارد تا پایان هفته جاری برای تصویب تقدیم هیات دولت شود.

وی افزود: دولت امیدوار است در آینده در صورتی که کانون متحدی از خبرنگاران و نویسندگان تشکیل شود، خیلی از مسائل و امور مطبوعات به خود مطبوعات واگذار شود.

### زندانیان عادل آباد شیراز اعتصاب غذا کردند

شیراز - خبرگزاری پارس: زندانیان عادی زندان عادل آباد شیراز، بعد از ظهر دیروز با یک نقشه قبلی دست به اعتصاب غذا زدند و سپس برای فرار از زندان شروع به آتش زدن سلولها کردند در بهای سلول فرودند.

پاسداران انقلاب اسلامی با کمک ماموران شهرداری از فرار آنها جلوگیری کردند. در این شورش یک نفر از زندانیان بنام حسین جوانمردی کشته و پنج نفر زخمی شدند.

این واقعه پدنبال بازدید روز گذشته علی دانش منفرد استاندار فارس و شهردار شیراز از زندان روی داد.

### راهپیمائی و

بقیه از صفحه ۱

آمده است: بر همگان روشن است که در این موقعیت حساس اگر همه مردم دست به دست هم دهند، موفقیت مشکل است. اما همچنان که آگاهی دارید، در چندروزه اخیر رادیو تلویزیون و بعضی از جراید نیش زهر آکین خویش را متوجه کردستان نموده و مارا متهم به تجزیه طلبی و ایجاد اغتشاش می نمایند.

آیتاله حسینی در مورد خبر رادیو، مبنی بر ترک شهر توسط عده ای از مردم برای اعتراض به رامپیسایر، گفت: این عمل ناشی از برخوردی است که در چند روز پیش بین قوادالها و کشاورزان بوجود آمده. اگر اعتراضی به رامپیسایر شده باشد از طرف عوامل قوادالها و شیوخ مرجع بوده است.

● دیروز در محافل آگاه گفته شد که تیسار فلاحی فرمانده نیروی زمینی در سخنرانی در پادگان قروقین، پس از اشاره به مسائل رفاهی سربازان و درجه داران خطاب به فرمانده ۱۶ زرهی قروقین گفت: باید به سپاه ایزام شوید و پادل رجان آماده این مأموریت باشید.

گفته می شود که ۴ گردان ۲۲۰ و ۲۰۱ تانک و ۱۷۶ منجیل قرارگاه و ۱۸۵ پیدامین مأموریت را انجام می دهند.

● خبرهای قائله نشده دیگر حاکیست که از پادگان زنجان نیز نیرو به سوی سپاه ایزام می شود.

### انفجارهای تازه

بقیه از صفحه ۱

نگرانی مقامات تصیب آنان میشود بخوبی آگاهند. مشاوران آیتاله خاقانی رهبر مذهبی جامعه اعراب ایران امروز ضمن هشدار گفتند بنگان آنها اگر دولت بخواستهای اعراب ایران از جمله خود مختاری محلی پاسخ مثبت ندهد انفجارها ادامه خواهد یافت.

یک لوله دیگر نفت منجمد شد نیمه شب چهارشنبه یکدیگر از لوله های نفت منجمد شد و آتش سوزی بزرگی رخ داد که مهار کردن آن ۲ ساعت طول کشید. این لوله در ۳۰ کیلومتری دارخوین (بین دارخوین و اهواز) قرار دارد و ویژه حمل نفت خام از اهواز به پایتختگاه آبادان است. پدنبال انفجارهای اخیر لوله های نفت، شرکت ملی نفت اعلام کرد تولید پایتختگاه آبادان از ۵۰۰ هزار بشکه در روز به ۱۰۰ هزار بشکه کاهش یافته است. طول لوله های نوب شده ۳۰۰ یارد است که فریب آن ۳ روز طول می کشد.

### معلمان شهرری: امپریالیسم و ارتجاع علیه پیشاهنگان انقلاب توطئه می کنند

گروهی از معلمان شهرری، وابسته به کانون مستقل معلمان تهران، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط محمدرضا سعادت و محاکمه عاملین دستگیری و شکنجه وی شد.

در بیانیه این گروه آمده است و اینکه که پایه های امپریالیسم جهاننوار به سرگسی آمریکا، متزلزل گردیده است، بیش از پیش دستاوردهای انقلاب ما، در خطر نفوذ قرار می گیرد. نفوذی که بدون تردید ریشه پلید امپریالیسم را در درون خود، دارد.

حال، که این دشمن بزرگترین مانع نفوذ خود را، پیشاهنگان انقلاب توده ای مردم میدانند، و دستهای ناپاک ارتجاع داخلی هر لحظه برای جدایی این فرزندان پاک ایران توده های مردم، کوشش می نماید. ولی خلق دلورایران هرگز خاطره مبارزات نیروهای انقلابی را که علیه دشمنان زحمتکشان می جنگیدند، از یاد نخواهند برد.

### ۳۰۰۰ سرباز آماده عزیمت به جنوب شدند

بقیه از صفحه ۱

گفته ام: اگر دولت اجازه بدهد، فعلا هزار سرباز به جنوب اعزام می کنم.

سرتیپ امیر رحیمی همچنین اظهار داشت: من می توانم تمام مسئولیت های ممکنه برای دفاع از خوزستان را به عهده بگیرم. من در قبول مسئولیت خیلی شجاع هستم.

وی گفت: شیخ عیسی، برادر آیتاله آل فقیه هم تلفتی با من صحبت کرد و من به او گفتم که ما میخواهیم منابع خوزستان را حفظ کنیم و وظیفه خود را در مقابل ملت ایران انجام دهیم.

سرتیپ امیر رحیمی پس از تقاضای کمک نرزه، به واحدهای دژبان مرکز آماده باش کامل داد. تا ظهر دیروز یک هزار سرباز کاملاً مسلح آماده شدند تا هر وقت دولت خواست برای حفاظت تأسیسات و خطوط لوله نفت و گاز به جنوب اعزام شوند.

● خبرگزاریهای خارجی در گزارشهای خود از قول تیسار رحیمی مخابره کرده که وی ۳ هزار سرباز برای اعزام به جنوب آماده کرده است.

### اشتراک روزنامه برای هم میهنان خارج از کشور

روزنامه پیغام امروز را می توانید مشترک شوید، روزنامه هفته دوبار با پست هوایی ارسال خواهد شد. برای اشتراک فرم زیر را پر کرده همراه با حواله بانکی به صندوق پستی شماره ۳۱/۲۶۶۷ ارسال دارید. اشتراک ۳ ماهه ۳۹۰۰ ریال اشتراک یکساله ۷۸۰۰ ریال

Name ..... آدرس خانوادگی  
Address ..... آدرس  
City ..... State .....

### آیتاله شریعتمداری در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه: باید بدولت اختیار داد تا در رفع مشکلات بکوشد

آیتاله شریعتمداری دیروز در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه، به پرسشهای او در زمینه های مختلف پاسخ گفت. قسمت هایی از این مصاحبه را می خوانید: خبرگزاری فرانسه: حضرت آیتاله بختی میباید که تمدد مراکز قدرت نوعی هرج و مرج داخلی بروز کرده است. آن آیتاله برای رفع این هرج و مرج چه باید کرد؟

ج - بطوری که میدانید ملت ایران با قیام خود پیروزی جنبش و نهضت اسلامی گردید اکنون نیز این وظیفه ما است که جلوه هرج و مرج را بگیرد و نگذارد عواملی در بی ثباتی انقلاب اسلامی ایران اثر بگذارند مسلماً اینکه کار دولت را چه گروه و چقدر قدرت انجام بدهند کار درستی نیست و بنظر ما چیزی جز شکست و دامن زدن به هرج و مرج نخواهد بود. لذا ضروریست باید این اختیار را به دولت بدهند تا او در صلاح جامعه و در مصلحت و برقراری نظم بکوشد نه اینکه خود بر دشواری آن بیفزاییم و جلوی پایشان سنگ بیندازیم هر غیر این صورت این جامعه بسیار خطرناک خواهد بود.

خبرگزاری فرانسه - بطوریکه از طریق وسایل ارتباطی بیان شد اخیراً دوبار با آیتاله شریعتمداری ملاقات داشته ایم است بفرمائید چه مطالبی مورد گفتگو قرار گرفته است؟

جواب - برنامه خاصی برای این ملاقاتها در نظر گرفته نشده بود بلکه صرفاً ملاقاتهای دوستانه ای بود و تقریباً مطالب مورد گفتگو مذاکره قرار گرفت که مهمترین آنها گفتگو پیرامون پاره ای از مواد قانون اساسی بود که این ایام موضوع روز و مورد مذاکره در همه محافل و مجالس است.

خبرگزاری فرانسه: آیا پیش نویس قانون اساسی شما راضی می کند.

جواب - پیش نویس قبلی باید اصلاح شود زیرا پیش نویس که برای ما فرستاده بودند و چندین جا آنرا حاشیه زده بود با پیش نویس موجود تفاوت زیاد دارد همان پیش نویس قبلی نیست خبرگزاری فرانسه: ممکن است یکی دومورد از حوالی خبر را در پیش نویس قانون اساسی ذکر کنند.

جواب: در پیش نویس قبلی قدرت رئیس جمهور زیاد بود باین معنا که مسئولیت اداره مملکت به نخست وزیر و هیات دولت داده شد و قدرت به رئیس جمهور یعنی مسئول اداره مملکت بود قدرت و غیر مسئول مملکت با قدرت. در پیش نویس قبلی یکی از اختیارات ریاست جمهوری فرماندهی کل قوا بودند، در حاشیه این ماده قانونی نظر خود را نوشتیم که این کار درستی نیست ما مسئولیت کارها را از نخست وزیر و هیات دولت بخواهیم و در مقابل قدرت را از آنان بگیریم و به رئیس جمهور بدهیم که مسئولیت ندارد البته ما نظریاتی پیرامون قانون اساسی داده ایم و مجدداً هم خواهیم داد باید ببینیم مجلس مؤسسان یا خبرگان در باره آن چه تصمیمی خواهند گرفت.

خبرگزاری فرانسه: قبلاً حضرت آیتاله در باره تشکیل مجلس مؤسسان نظر خاصی داشتند و بعداً گفته شد که نظرتان عوض شد آیا چنین است یا خیر.

ج: نظر، این بود که چون قانون اساسی سند قانونی مملکت است با دقت و اهمیت کافی مورد رسیدگی و تصویب قرار گیرد و در آینده اگر با دولت های خارجی اختلافاتی پیش آمد آن اختلافات با حکمیت قانون اساسی حل و فصل شود و همچنین اگر مجلس شورای آینده و یا دولت ها و اجتماعات و گردهمایی که بعدها ظاهر خواهند شد کارهایی کردند که مخالف و مغایر قانون اساسی بود قانون اساسی تا از چنان اعتبار و استحکامی برخوردار باشد که کارهای آنان را مردود نشاند و در صراط مستقیم که همان مراعات قانون اساسی است بازگرداند بنابراین بنظر ما باید مواد قانونی اساسی خیلی روشن و صریح باشد و از طرف دیگر رسمیت آن باید بر اساس قوانین بین المللی انجام پذیرد چون اغلب در قوانین بین المللی رسمیت دادن به قانون اساسی از طریق تشکیل مجلس مؤسسان صورت میگیرد.

علیهذا در ایران هم باید همان شرایط مراعات شود چون این مطلب ما را جرات بخشکی انتشار داده بودند که موجب سوء تفاهات و برداشت نادرست شده بودند عده ای از بازار ایران تهران شوالی در این زمینه بصورت کتبی کردند و جوابی داده شد که منظور قبلی ما را قاطعاً زبانی روشن و تصریح می کند و اکنون نیز مجلسی که بنام مجلس مؤسسان یا خبرگان تشکیل خواهد شد نامش فرق نمیکند زیرا که دعوی نام نیست اولاً افراد آن انتخابی خواهند بودند نه انتصابی و ثانیاً از هر پانصد هزار نفر یک نفر نماینده انتخاب خواهند که مجموعاً حدود ۷۵ نفر بالغ خواهد شد. و تصمیمی که اکثریت اعضا مجلس خواهند گرفت بقانون اساسی حالت سندیت و رسمیت خواهد داد که اگر بعداً فرزندومی هم بشود آن فرزندوم معنای تأکید را خواهد داشت پس منظور ما نه آن شکلی بود که روزنامه ها منتشر کردند و به شکلی که بعداً مردم برداشت نموده بلکه منظور قانونی و رسمی نمودن قانون اساسی است که باید با ضوابط بین المللی تطبیق کند.

جلسه جمعیت کردها برگزار می شود  
از اعضاء و به علت مصافحتن با کمیلات آخر این هفته، امروز جلسه عمومی جمعیت کردهای برگزار می شود.

سرکار خانم مهتری شاه بابا منجم در خم از دست دادن عزیزتان شریکم  
امروز بالذکر